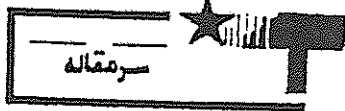


## نامه بخشی دیگر از اهالی سندج

### پیرامون ضرورت قطع درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

بخشی از اهالی سندج طی نامه ای که اخیراً به حزب دمکرات و کومه له و رونوشت آن را نیز به سازمان ما و دفتر شیخ عزالدین حسینی ارسال داشته اند، یکبار دیگر خواستار قطع درگیریهای حزب دمکرات و کومه له و اشرار فوری و بدون قید و شرط و شروع مذاکره برای پیشبرد سیاسی اختلافات دونیرو شده اند. این نامه که طوماری از مدتها اضا مردم سندج را همراه دارد، بیاگر خواست

عمومی توده های زحمتکش خلق کرد در شرایط کنونی است که ادامه هرچه بیشتر درگیریهای خونین بین دونیرو را قبل از همه سد راه رسیدن به اهداف و آمال خود می دانند، اهداف و آسالی که بیش از شش سال است با عزم و ارادمای آهنین برای رسیدن به آنها مبارزه همه جانبه ای را با تمامی توان خود به پیش برده اند، بمباران شهرها و کشتارهای بی وقفه و در صفحه ۳



سرمقاله

### یک سال بعد!

یک سال بعد از اولین درگیری حزب دمکرات و کومه له در اورامان و درست در آستانه سالگرد فاجعه خونین ۲۵ آبانماه، خبر درگیری خونین دیگری از سلسله درگیریهای یک سال گذشته حزب دمکرات و کومه له منتشر گشته است که طی آن بیش از ۳۰ تن از پیشمرگان کومه له، توسط حزب دمکرات کردستان به شهادت رسیده و قربانی سیاستهای حاکم بر این درگیریها شده اند.

یک سال پیش نیز در پیست و پنجم همین ماه، مقرهای کومه له در اورامانات مورد یورش همه جانبه پیشمرگان حزب دمکرات قرار گرفت و تعدادی از پیشمرگان کومه له اسیر و اعدام شدند. همین درگیری نیز در واقع مصادیقی از برخوردهای خونین اتسی دونیرو گشت. و با برخورد در صفحه ۲

## تخلیه اجباری و تخریب روستاها

### نشانه عجز و درماندگی رژیم

اراده خلل ناپذیر و رزمجویانه خلق قهرمان کرد، و از این طریق به شکست کشانیدن جنبش در صفحه ۴

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، از نخستین روزهای موجودیت اش، یکی از بهترین اهداف خود را درهم کوبیدن

### در صفحات دیگر:



### اخبار جنبش توده ای

صفحه ۱۰

### اطلاعیه

پیرامون سیاست تخلیه و تخریب روستاها توسط رژیم جمهوری اسلامی

صفحه ۶

### اطلاعیه

پیرامون بازداشت دو تن از پیشمرگان سازمان توسط حزب دمکرات کردستان ایران

صفحه ۲۲

درگیری های کنونی در کردستان همراه ساخته، و چهره واقعی خود را در پشت سر انواع و اقسام صحنه سازی ها و بی برنسی های همگی این جریان پنهان نموده است. هرچند خود احکام صادره در این نشریه به خوبی افشاگر چهره کسانی است که خود را مبارزان بی قید و شرط دمکراسی می دانند، ولی نگاهی به همین نوشته، عمق آن تفکر و دیدگاه معین طبقاتی ای را که امروز در عرصه

در صفحه ۷

## سکات و ریزم در شیوه برخورد

این نشریه تحت عنوان برخورد با نامه ما به حزب دمکرات در نیمه اول ۱۳۶۴، به اعلام یک سری احکامی دست زده است که تاکنون نیز اینجا و آنجا به اشاعه آنها همت گماشته بود. ویژگی این نوشته در آن است که تکرار این احکام صورت نظر خود را در پیش به کار گیری انواع و اقسام شیوه های برخورد بورژوازیست به مواضع ما در مجال

نشریه کمونیست ارگان حزب کمونیست کومه له در شماره شهریور ماه، خود طی مقاله ای تحت عنوان درس هایی از یک اعلامیه کوتاه، یکبار دیگر به تکرار مکرر مواضع تنگ نظرانه ای پرداخته است که امروز دیگر به وجه مشخصه اصلی کومه له و شرکا در برخورد با نیروهای سیاسی و مسائل مردم جنبش انقلابی خلق کرد، مبدل گشته است.

کتاب سال بعد

از صفحه ۱

غیر مسئولانه حزب دمکرات بسا جنابات انجام شده در طول این درگیری، زمینه برای هرگونه برخورد خونین دیگری در آینده میباید.

درگیری شمال کردستان، در واقع شروع دور جدیدی از درگیریها، اعلام آغاز مرحله جدیدی در تداوم بی وقفه آنها بعد از چند ماه رکود در زد و خورد های خونین دونیرو، و در عین حال نقطه تاکیدی بر تداوم آتی آنهاست. به همین لحاظ نیز فاجعه ای که در شمال کردستان و در روز ۲۲ آباناه صورت گرفته است، چه از نقطه نظر وضعیت که بدنیال خسود خواهد آورد، چه به لحاظ قربانیانی که در کام خورد فرو یلعبیده است، تنها با درگیری ۲۵ آبان اورامان قابل قیاس میتواند باشد. با این تفاوت اساسی که بعد از درگیری اورامان هنوز امکان مبارز این درگیریها و حضور داشتن آنها در چارچوب ممین ضابطات سیاسی فیمابین نیروها حضور و کاملاً امکانپذیر بود. همانگونه که تلاش های گسترده ای در این زمینه چه قبل از شروع جدید درگیریها توسط کوهله در ششم بهمن ماه و چه بعد از آن برای مبارز این درگیریها بعمل آمده ولی امروز دیگر درگیری شمال کردستان بر بستر عدم تحقق چنین امکانی در توالی سلسله درگیریهای يك سال گذشته و در شرایطی بوقوع پیوسته است که تحقق آتی بی و قطع درگیریها، عملاً دور از دسترس تر از همیشه به نظر می رسد. و چه بسا در تداوم دور جدیدی از درگیریها، در مناطق مختلف کردستان، غیر قابل حصول تر از همیشه نیز خواهد گشت. درگیری شمال کردستان و ابعاد فاجعه بار آن نشان می دهد که سیر عمومی واقع در طول يك سال گذشته نه تنها در جهت قطع درگیریها و حل مسائل مربوط به این درگیریها و یا حد اقل مبارز آنها حرکت نکرده است، بلکه بر بستر سیاستهای موجود این درگیریها، درست در مسیر عکس آن نیز پیش رفته است. به همین دلیل نیز به حالت تمام گفت

که درگیریهای دونیرو امروز در آستانه ورود به مرحله حساس و جدیدی است که دیگر عمده گی کامل جنگ داخلی در کردستان، مشخصه بارز آن خواهد گشت. توازن نیروی حاصله در طول يك سال گذشته و در جریان تداوم درگیریها، امروز به تعادل نسبی خود رسیده است. توازنی که در حقیقت بعد از پشت سر گذاردن تجمع وسیع نیرو از سوی هر دو جریان و در بین کثاکثر چندین ماهه نخست درگیریها، بعد از چندین درگیری سنگین، حاصل آمده بود. در واقع رکود چندین ماهه اخیر در درگیریهای طرفین قبل از هر چیزی ناشی از وجود چنین توازنی بود. شکستن وضعیت حاصله از این توازن، بطور قطع بدنیال خود يك رشته کامپی از درگیریهای سراسری را بدنیال خواهد داشت که می توان گفت درگیری شمال کردستان، شروع آن بود. اگر در طول يك سال گذشته، جز در همان ماههای نخست درگیری، بخش مهمی از نیروهای طرفین را، همین درگیریهای متقابل به خود اختصاص می داد و یا بخش تعداد زیادی از خود همین درگیریها بطور اتفاقی روی می داد، بعد از این دیگر مسلماً بخش اعظم نیروهای طرفین، در توالی درگیریهای از نوع درگیری شمال کردستان، اجباراً به تقابل با یکدیگر کشانیده خواهند شد و پیشمرگان هر دو طرف در ادامه بلا انقطاع اینگونه درگیریهای تحرك و غافلگیر کننده، فرسوده خواهند گشت. درست در چنین شرایطی از درگیریها نیز هست که امر مقابله بسا رژیم در جنگ و گریز مداوم دو جریان به امری ثانوی تبدیل خواهد شد. از همین رونیسز بدون تردید باید گفت که تداوم درگیریهای حزب دمکرات و کومه له، در شرایط آتی، و در ابعاد کنونی آن، نه تنها به ضرر جنبش انقلابی خلق کرد عمل خواهد کرد، بلکه قبل از همه دز روند فرسایشی خود آنها تهدید به شکست نیز خواهد کرد. این درگیریها تا کنون لطافت چمران-نابینیری را بر جنبش انقلابی خلق کرد وارد آورده اند، اما در شرایط آتی دیگر این لطافت ابعاد فاجعه باری به خود خواهد گرفت. که درگیری شمال کردستان گوشه ای از آنرا به نمایش گذاشته است.

از این درگیریها در طول

یکسال گذشته از يك سوی دست رژیم را در مناطق خالصی از پیشمرگه برای اعمال انواع و اقسام سیاستهای ارتجاعی خود باز گذاشته بود، و از سوی دیگر غیرمحم روحیه انقلابی توده ها و مبارزات گسترده و اعتراضی آنها علیه رژیم به وسعت تمام خاک کردستان، تاثیرات سوء تداوم بلا وقته جنگ داخلی را بر آنها تحمیل کرده بود، در شرایط آتی نه تنها بر ابعاد این خلاء حضور مداوم پیشمرگه در اکثر مناطق خواهد افزود، نه تنها بر ابعاد تاثیرات سوء حاصله از گشت و گشتار داخلی، دامن خواهد زد و جو بد بینی و بیاس نسبت به آینده را تشدید خواهد نمود، بلکه امنیت مبارزاتی در کردستان را بطور جدی به مخاطره خواهد افکند، تمامی دستاوردهای مبارزات شش ساله خلق کرد را لگد مال خواهد کرد.

ادامه درگیریهای کنونی در ابعاد نوبن خود، و در فقدان هرگونه اعتنائی به يك راه حل اصولی برای پایان دادن به آنها، عملاً نتایج قهری خود را ببار خواهد آورد. و حصول تبعی سیاستهای طبقاتی معین پشت سر این درگیریها را در عمل به نمایش خواهد گذاشت.

سیاست هائی که بسندون هیچ گونه درك و توجهی به الزامات رشد آتی جنبش کنونی، ضروریات عاجل آن عملاً در جهت مخالفت رشد جنبش و در مقابله با ضروریات عاجل آن حرکت نموده، بیان خود را نه در سازماندهی صارزه کنونی بر اساس الزامات آن، بلکه در سازماندهی جنگ داخلی و درست در نقطه مقابل الزامات غیر قابل انکار صارزه همه جانبه خلق کرده، باز می یابند.

حزب دمکرات و کومه له، بعنوان دو جریان ناسیونالیست کردستان، نه تنها امروز و در نتیجه يك سال درگیری خود، بلکه در حساس ترین مقاطع مشخص جنبش کنونی بارها در عمل ثابت گردماند گشته جریان های ناسیونالیست بورژوازی و خسرده بورژوازی هرگز قادر نیستند، جنبش کنونی را نه به لحاظ برنامه ای و نه به لحاظ هدایت عملی آن یا پیروزی قرین سازند. بلکه بر عکس این دو جریان یکبار دیگر بر این واقعیت صحنه گذاشته اند که این گونه جریانات

# نامه بخشی دیگر از اهالی سندج

## پیرامون ضرورت قطع درگیریهای حزب دمکرات و کومه له

از صفحه ۱

محاصره اقتصادی را پشت سر گذارده و در جنگ بی‌امانی یا تمامی قدرت خود با یکی از ارتجاعی‌ترین رژیم‌های تاریخ، درگیر شده، مدنام ضربات مهلک خود را بر پیکر آن وارد آورده‌اند.

توده‌های زخمکش خلق کرد، امروز و با ادامه درگیری‌های خونین حزب دمکرات و کومه له، نه تنها قربانی شدن فرزندان خود در یک جنگ داخلی را شاهد هستند، بلکه بدون هیچ تردیدی زیانبار بودن ادامه این درگیری‌ها برای جنبش کردستان را نیز در تمامی زمینه‌ها لمس می‌کنند. آنها به خوبی درمی‌یابند که در شرایط کنونی ادامه این درگیری‌ها تنها به نفع رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران رنگارنگ آن در کردستان تمام شده است. آنها در طول یکسال گذشته بعینه شاهد بوده‌اند که چگونه املحه‌هایی که پیاید سینه مزدوران رژیم را آماج گلوله‌های خود قرار می‌داد، سینه فرزندان خلق کرد و پیشمرگان رزمیده آن را هدف گرفته است. آنها بخوبی در عرض یک سال گذشته شاهد بوده‌اند، که چقدر رژیم از این درگیری‌ها بهره جسته است، چه تبلیغات گسترده‌ای را دامن زده است، چگونه در مناطق خالی از پیشمرگه با فراغت خاطر جولان داده است و در مقابل، رادیوهای دونیرو درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له، به جای اخبار نبرد با رژیم، اخبار فتوحاتی بر دیگری را با اب و تاب اعلام داشته‌اند. تمام هم و غم خود را صرف بی‌عله و بی‌ساختن هرچه بیشتر اتر جنگ داخلی نموده‌اند.

نامه بخشی از اهالی سندج، بعنوان نمونه کوچکی از خواست توده‌های میلیونی خلق کرد، بیانگر آن خواست عمیق و درونی است که بیشتر از شش سال است با تمامی وجود خود بار

جنبش به این حقیقت پی برده‌اند که بدون برخورد قاطع و انقلابی با عامل تداوم این درگیری‌ها مسلماً قطع آنها امکانپذیر نیست. محکومیت کامل ادامه درگیری‌های کنونی، از سویی توده‌های مردم، بیانگر این واقعیت است که مردم کردستان امروز دیگر ضرورت دخالت فعال خود در مبارزه برای قطع این درگیری‌ها را با توجه به نتایج فاجعه‌بار یک سال گذشته، آن بیش از همیشه درک می‌کنند. بدون تردید در شرایطی که حزب دمکرات، بعنوان عامل اصلی تداوم این درگیری‌ها، که اینک وارد دومین سال خود می‌شود، حاضر به پذیرش خواست عمومی اکثریت نیروهای سیاسی و مردم کردستان نیست، قطعاً دخالت فعال توده‌های زخمکش خلق کرد، در مبارزه علیه سیاست حزب دمکرات در این زمینه می‌تواند به قطع این درگیری‌ها منجر شده، و نه تنها حزب دمکرات بلکه هر دونیرو را به دست برداشتن از سیاست‌های کنونی خود وادار نماید.

عظیم این جنبش را بر دوش خود کشیده‌اند و یک لحظه از مبارزه همه‌جانبه برای رسیدن به اهداف و آرمان به حق خود، باز نمانده‌اند و امروز در تداوم درگیری‌های خونین دونیرو، حاصل این مبارزه تاریخی را در معرض تهدید جدی می‌بینند.

نامه مردم سندج علاوه بر تمامی اینها، بیانگر عزم و اراده توده‌های زخمکش خلق کرد برای خاتمه دادن به این درگیری‌ها از طریق محکوم نمودن آشکار آن نیرویی است که از قبول اتر بی‌س فوری و بدون قید و شرط خودداری می‌نماید. بدون تردید این امر یکی از بارزترین نکات این نامه است. امروز دیگر توده‌های مردم در جریان عطفی

### مثن نامه

قیمه خه لکی سنه، شه‌ری کومه له و حیزسی دی‌مکرات به زبانی شورتری کوردستان ده زانین و داواکارینن که فوری وی بی برو بیانو تاگریه س قیعلام بگری و وت و ویز دست بی بگری بوئه وه ی شم دو هیزه اختلافاتی سیاسی خویان به بی شه‌ری چه کدارانه و له ریگای سیاسی وه به رنه پیشر و هه رکه س تاگریه س قه بول نه کات له لایه ن قیمه وه مه حکومت .

جهت اطلاع : حزب دمکرات کردستان ایران

جهت اطلاع : سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له)

رونوشت : دفتر ماموستا شیخ عزالدین حسینی

رونوشت : سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اقلیت -

اعضا حدود ۳۰۰ نفر

ما مردم سندج، درگیری کومه له و حزب دمکرات را به ضرر جنبش کردستان می‌دانیم و خواهان آنیم که فوری و بدون هر پنهانی اتر بی اعلام گردد و مذاکره شروع شود برای اینکه این دونیرو اختلافات سیاسی خودشان را بدون درگیری صلحانه و از راه سیاسی حل نمایند و هرکس اتر بی را قبول نکند از طرف ما محکوم است .

جهت اطلاع : حزب دمکرات کردستان ایران

جهت اطلاع : سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له)

رونوشت : دفتر ماموستا شیخ عزالدین حسینی

رونوشت : سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - اقلیت -

اعضا حدود ۳۰۰ نفر

## تخلیه اجباری

از صفحه ۱

انقلابی کردستان قرار داده است. عملکرد این هدف ضد انقلابی که در سرلوحه خواستها و سیاست های بغایت ارتجاعی رژیم قرار داشته است، هر زمان به شکلی و شیوه ای، در پهنه خاک خونین کردستان نمودار گشته است، و اعمال خشن ترین شیوه - های سرکوب، کشتارهای بیرحمانه و ستمی بی حد و حصر، همچون خط سیاهی در تمام طول حیات ننگین رژیم و به هیجان ترین شکل عملا مشهود بوده و تداوم داشته است.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، برای دست یابی به اهداف ضد مردمی خود، باها و بیگانه ها، شهرها و روستاهای کردستان را توپ باران و خمپاره باران کرده اند، با ایجاد جو رعب و هراس و اعمال شدیدترین شیوه های ترور و سرکوب، جنایات فاجعه انگیز و هولناکی آفریده اند، مردم بی دفاع را در کوچه و خیابان به رگبار بسته اند، به کشتار و ضلعم برداشته اند، "آیندر قاش ها"، "قه لاتان" ها و "قارنا" ها را آفریده اند، و از هیچگونه جنایتی در حق مردم قهرمان کردستان فروگذار نگردیده اند.

اما علیرغم همه این سرکوب های خونین و علیرغم بکارگیری مائین عظیم جنگی علیه جنبش انقلابی خلق کرد، مبارزات دلاورانه و حق طلبانه پیشمرگان قهرمان خلق کرد و اهالی زحمتکش کردستان، ادامه داشته و کتبه تلاش های منبوجانه رژیم را در این زمینه بی نتیجه گذاشته است.

خلق قهرمان کرد، اما رزنده و مقاوم، محکم و استوار ایستاده است.

رژیم جمهوری اسلامی، حامی سرمایه داران و دشمن کارگران و زحمتکشان نیز در این صفای خونین، بیگار تشنه است. این رژیم درمض و ارتجاعی، ضمن بکارگیری بی وقته مائین سرکوب خود، مدام در فکر چاره بسوده است تا به هر شیوه ممکن، این آتش زعله ور را خاموش کرده و به هدف غائی خود نائل آید. از این رو، از تمامی تجارب ارتش - های سرکوبگر ضد انقلابی، در سرکوب و به خون کشیدن جنبشهای

انقلابی بهره جسته، و با کارست این شیوه ها در عرصه کردستان، در پی اهداف ضد انقلابی و سیاست های ارتجاعی خود به تلاش های باز هم منبوجانه تری دست زده است. مبارزگی سرری اجباری، تلیح اجباری، تخریب و آتش زدن روستاها، و بالاخره تخلیه روستاها و کوچ اجباری روستائیان را در چارچوب کلی اینگونه سیاست های ارتجاعی رژیم باید دید. سرزخمین مزدور، در همین رابطه کوشیده اند تا با توسل به شیوه های گوناگون، از تحمیق و تهدید گرفته، تا زور و سرنیزه، توده های خلق کرد را به نفع خود مسلح کرده و از نیروی آنان علیه خودشان و علیه جنبش انقلابی خلق کرد سودجویند. اما اتخاذ این تدبیر ارتجاعی از سوی رژیم، نه تنها صوفیتی برای او در برداشته است، بلکه همواره از جانب توده های انقلابی خلق کرد، مورد اعتراض قرار گرفته است.

از دیگر سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی، مبارزگی اجباری است، که با هدف محروم ساختن جنبش صلحانه خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن از نیروی ذخیره خود و همچنین تاهین کمبود نیروی انسانی برای جبهه - های جنگ ارتجاعی ایران و عراق، یعنی استفاده از جوانان کرد، به شابه گوشت دم تپ سوسایه داران و غارتگران صورت می گیرد. این سیاست نیز اگرچه از مدت ها پیش در دستور کار نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته است، اما از سوی توده های انقلابی خلق کرد با اعتراضات جدی مواجه گشته و جوانان روستایی در بسیاری از موارد با فرار از روستاها، مزدوران را ناکام گذاشته اند.

در ادامه چنین سیاستهای سرکوبگرانه ای است که رژیم به افزایش نیروهای مزدور خود در مناطق مختلف کردستان دست زده است و بر تعداد پایگاه ها و قرارگاه های خود در سرتاسر کردستان افزوده است. تا آنجا که هم اکنون بیش از دو هزار پایگاه و بیست و سه پادگان بزرگ در مناطق مختلف کردستان ایجاد کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی، در آغاز جهت کنترل حرکت پیشمرگان و محدود کردن دامنه تحرک آنان، به ایجاد پایگاه بر فراز بلندی ها و ارتفاعات پرداخت و بر سر جاده ها و راه ها، قرارگاه

های ضدمدی متعمر ساخت تا ضمن کنترل توده پیشمرگان، از ارتباطات فعال و گسترده آنان با توده ها و حمایت عسلی مردم از فرزندان مبارز خود جلوگیری کند. اما حرکات انقلابی و تعرضات دلاورانه پیشمرگان شجاع خلق کرد، نه تنها این اقدامات ارتجاعی را عقیم گذارد، که در بسیاری موارد ضربات سرکوباری بر بیکس مائین جنگی رژیم فرسوده جمهوری اسلامی وارد آورده و تلفات جدی و سنگینی را به آن تحمیل کرد.

اما رژیم درمض جمهوری اسلامی که عسلی رژیم بکارگیری تمامی این شیوه ها از پیشبرد تمام و تمام سیاست های ارتجاعی خود ناتوان مانده است، با استفاده از تجارب اسلافی ضد انقلابی خویش باز هم کوشیده است تا نیروهای مسلح و رزنده خلق کرد را در کلبه عرصه ها دچار ضیق ساخته و آنها را در تنگنا قرار دهد. از همین رو با انتقال پایگاه های ضد انقلابی خود به درون روستاها و معرفی داشتن انواع و اقسام ستمگری در حق اهالی همسرمان دست به تخریب و آتش زدن روستاها زده است، تا روستائیان را وادار به کوچ اجباری و تخلیه خانه و گشاته خود نماید.

اینک مزدوران سرکوبگر رژیم با درس آموزی از همیالگی های ضد انقلابی خود در ویتنام و صهیونیست ها در فلسطین اشغالی و همچنین رژیم ارتجاعی عراق در کردستان که چنین شیوه هایی را در مقابله با انقلابین و برای تسلیم آنها به کار می بردند، امروز در مناطق مختلف کردستان، و پیش از هر زمان دیگری چنین سیاستی را در ابعادی گسترده و کم سابقه ای در پیش گرفته اند.

سال پیش نیز رژیم با تلاش توطئه گرانه و ضد انقلابی خویش کوشید تا با زور و تهدید، اهالی بیش از ۶۰ روستا را که جمعیتی بیش از ده هزار نفر را تشکیل می داد، اجباراً کوچ دهد. سرکوبگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم تخلیه، روستاها را به توپ و خمپاره می بندند و باخاک یکسان می کنند. اما مقاومت دلاورانه و اعتراضات شجاعانه اهالی زحمتکش این روستاها، حمایت نیروهای انقلابی از مردم این مناطق و اقتناء سیاست ارتجاعی و ضد مردمی رژیم توسط نیروهای انقلابی

# تخلیه اجباری

ضمدری را تخریب نموده، خانه ها و اموال آنها را در جلودیدگان نشان به آتش کشیده اند، اهالی بسیاری از روستاهای دیگر را اخطار و تهدید کرده اند که در اسرع وقت روستاهای خود را تخلیه کنند. روستاهای منطقه مهاباد و سیمنا در معرض این سیاست قرار گرفته اند.

چندی پیش روستاهای چومان، کورک، کولان، قزلجه بالا و گانسی شینکی توسط مزدوران رژیم به کسب اموال و اهالی آنان آواره روستاهای اطراف شدند. همچنین به تعداد زیادی از روستاهای این منطقه اخطار شده است هرچه زودتر روستاهای خود را تخلیه کنند.

در تاریخ بیست و هفتم مهر ماه، روستاهای سیسنا و بوردیه از روستاهای منطقه سرشیو، قنز مورد یورش و حشیانه مزدوران واقع شد. سرکوبگران پس از یک اخطار در کمال وقاحت و بیشرمی هر دو روستای فوق را به آتش کشیدند و ساکنین آنها آواره کردند. مزدوران در ادامه وحشیگریهای بی حد و حصر خود مردم روستاهای بایر بالا و بایر پائین را با اجبار کرج رانده اند و به تعداد دیگری از روستاهای این منطقه اخطار کرده اند که روستاهای خود را تخلیه کنند.

همچنین بسیاری از روستاهای مناطق سرناز، کورک ۱ و کورک ۲ از جمله روستاهای امین آباد، کوخسان، عین سلا، هشت بله پایین، هشت بله بالا، کولان و ده ها روستای دیگر این مناطق اخطار تخلیه گرفته اند و هم اکنون اهالی زحمتکش این روستاها در معرض آوارگی و در بندری، و خانه هایشان در معرض تخریب و آتش سوزی است.

رژیم جمهوری اسلامی، که با تعاضی نیرو و تجهیزات عظیم خود و یگانگری انواع شیوه های سرکوب جنایتکارانه توانسته است طامعی در برابر حمایت فعال و بی دریغ زحمتکشان خلق کرده از پیشمرگان ایجاد کند، اکنون، یکبار دیگر سیاست تخلیه و تخریب روستاها را پیشه کرده است تا به خیال خام خود این کانون گرم و پرخروش مبارزه انقلابی را

آنچه که امروز صی باستانی به عنوان همداری جدی تلقی کرده، ادامه این سیاست جنایتکارانه است که اخیراً، ابعاد گسترده و فاجعه بارتری بخود گرفته است. سرکوبگران مزدور در بسیاری از مناطق کردستان و سیمنا دست به تهدید و اریاب زده اند و با تخریب و آتش زدن روستاها در پی تحقق اهداف ارتجاعی خود بر آمده اند.

رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی، ناتوان از مقابله با جنبش انقلابی خلق کرد، با حربه های گوناگون مذبوحانه تلاش ورزیده است تا عرصه زندگی را پر توده های زحمتکش خلق کرد که تجاوز از شش سال و بطور مداوم، علیه سیاست های ارتجاعی رژیم و برای حق تعیین سرنوشت خود بیباک خاسته اند، تنگ تر نماید، تا بتواند جنبش صلحانه انقلابی خلق کرد را کنترل و مهار کند، و نهایتاً آنها را از میان بردارد. اما استقرار پایگاهها و قرارگاههای ضد انقلابی او حتی در دل روستاها، نتوانسته است این هدف ارتجاعی رژیم را برآورده سازد، و همانطور که تجارب عطسی و تداوم مبارزه انقلابی توده های خلق کرد و پیشمرگان قهرمان آن نشان داده است این تلاشهای عت کارساز نبوده است. از این رو ارتجاع هار جمهوری اسلامی با هدف نابودی جنبش انقلابی، اما ناتوان از دست یابی به این هدف، آخرین تیرهای سرکشی خود را رها ساخته و تنها راه و یا آخرین راه چاره را در تخلیه و تخریب روستاها یافته است. شیوه ای که همواره مورد استفاده ضد انقلابیون در مقابله با مبارزات پارتیزانی و جنگهای صلحانه توده ای بوده است. رژیم با کاربرد این شیوه سرکوب پیرحمانه، و این بار با تعد عطسی کردن آن در قیاسی و سیمترو، در خیال آن است که به اهداف شوم و ارتجاعی خود نائل آید. هم اکنون بسیاری از روستاهای مناطق کردستان مورد هجوم و حشیانه مزدوران واقع گشته است چکه پریشان رژیم، روستاهای

سازمحه هواداران سازمان ما در خارج از کشور رژیم را وادار به عقب نشینی کردند. جمهوری اسلامی، اگر چه در زمینه پیشبرد این سیاست ارتجاعی موفقاً مجبور به عقب نشینی شده، اما هیچگاه بطور قطعی از آن دست بردار ندانت. تگاهی به اخبار جنش توده ای ضد رژیم در شماره های مختلف ریگای گدل، گویای این واقعیت است که رژیم به رغم عقب نشینی خود این سیاست را تعقیب کرده و در مواردی نیز آنها را به اجرا در آورده است. برای نمونه مزدوران رژیم در خریدارماه سال جاری، روستاهای کچکاران، چوسی، کاولان، دیمان، یامزایا دو، لوشان را در منطقه ارومیه به آتش کشیده و یا تخریب نموده اند. بیست و یکم تیرماه نیز روستاهای شرمین، دی گوزان در منطقه گلهی پرده رش توسط سرکوبگران به آتش کشیده می شود. روستای چوارگا در منطقه مهاباد نیز توسط مزدوران طعمه حریق شده است، برخی از روستاهای منطقه سرشاخان نغده نیز به آتش کشیده شده است و از اهالی بسیاری از روستاهای دیگر این منطقه خواسته شده است که روستاهای خود را تخلیه کنند. همچنین روستای گان واقع در منطقه اشتریه توسط سرکوبگران تخریب شده. از روستای حسین آباد در منطقه بسوگان جز خرابیهای باقی نمانده است. روستای شلیم زاران در منطقه بیوان شهر نیز به سرنوشت مشابه دچار گشته است و در تطاسی این موارد، روستائیان زحمتکش که همه هستی آنها در آتش ضد انقلابین سوخته و به تلی از خاکستر تبدیل شده است، مجبور به ترک محل زندگی خود شده و آواره روستاها و شهرهای اطراف ویا کوه ها شده اند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، اگر چه سال قبل، در برابر اعتراضات همگانی و مقاومت توده های خلق کرد مجبور به عقب نشینی شده، اما با ترمیم ساز و برگ خود، و با استفاده از جو حاصله از درگیریهای حزب دمکرات و کومه له گاه و بیگاه به این سیاست فاشیستی خود جنگ انداخته است. اما



# اطلاعیه

## سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستان

### پیرامون سیاست تخلیه و تخریب روستاها

توسط رژیم جمهوری اسلامی

خلق رزمنده کرد!

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!  
احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکرات ایران و جهان!

رژیم جمهوری اسلامی یک بار دیگر سیاست ارتجاعی کج اجباری اهالی زحمتکش روستاهای کردستان را، با تخلیه و تخریب بخشی از روستاهای مناطق مختلف کردستان آغاز نموده است. رژیم جمهوری اسلامی در ادامه تلیج اجباری اهالی زحمتکش روستاهای کردستان و انتقال پایگاههای مزدوران خود به داخل آنها، سیاست کج اجباری اهالی تمامی روستاهائی را که قادر به کنترل آنها و پیا ایجاد پایگاه در داخل آنها نیست، در پیش گرفته است. رژیم اینک ضمن پیشبرد این سیاست ارتجاعی در بسیاری مناطق، به اهالی تعداد زیادی از روستاهای کردستان اخطار داده است که هرچه زودتر خانه و کاشانه خود را رها کرده، آواره، کوه و دشت گردند.

مزدوران رژیم در کردستان که از یک سال پیش مقدمات اجرای سیاست کج اجباری اهالی روستاهای مقاوم کردستان را فراهم نموده بودند، و در مقابل اعتراضات گسترده خلق کرد مجبور به عقب نشینی موقت شده بودند، و تنها در ضائق معدودی موفق به اجرای این سیاست ارتجاعی گشته بودند، اینک یکبار دیگر در تداوم سیاست های ارتجاعی دیگر رژیم به عملی کردن این سیاست پرداخته اند. مزدوران رژیم نه اخیراً در منطقه مهاباد روستاهای "قرلجه بالا"، "کانی شینگی"، "چومان"، "گرگه" و "نیلان" را به کلی ویران کرده بودند، در چند روز گذشته نیز در منطقه سرشیو سفز عین همین سیاست ارتجاعی را به کار گرفته اند. مرتجعین بعد از یک یورش گسترده به روستاهای "سیف" و "پورده" و "توب" و خمیاره باران سنگین اطراف این دو روستا، با وحشیگری تمام به مردم هر دو روستا اخطار نمودند که هر چه سریعتر روستا را ترک نمایند. اما اهالی زحمتکش این روستاها به اولتیماتوم مزدوران وقص نگذاشتند. در مقابل این برخورد اهالی، مزدوران رژیم که بل بیش از یک یورش گسترده به روستاهای "سیف" و "پورده" و "توب" و روستاها پرداخته، همین به دنبال اولتیماتوم خود را عملی ساختند و هر دو روستا را به آتش کشیدند. آنها بعد از این اقدام وحشیانه حتی مهلت بیرون آوردن اجسام را نیز به اهالی ندادند، و ضمن ادیت و آزار آنها، جلو چشم مردم همه زندگی شان را به آتش کشیدند.

بدنبال این اقدام خنایکارانه مزدوران، اهالی تعداد زیادی از روستاهای منطقه از جمله "بطام"، "دکاگا"، "رشته تره" و ... برای کمک به اهالی "سیف" و "پورده" به محل آمدند و مردم آواره این دو روستا را به خانه های خود بردند. اما مزدوران رژیم برای جلوگیری از این کار و در هراس از همتگی مردم زحمتکش منطقه شروع به بستن جاده "سریوان" - "سقز" نمودند.

در این منطقه علاوه بر دو روستای فوق که اینک طعمه حریق گشته اند، مزدوران رژیم اهالی روستاهای "بایر بالا" و "بایر پایین" را نیز تحت فشار قرار داده و مجبور به تخلیه خانه و کاشانه خود نموده اند. به اهالی چندین روستای دیگر از جمله "هفت تاش"، "شیاو" و "سی کوچک" نیز اخطار نموده اند که هر چه زودتر این روستاها را تخلیه نمایند.

مزدوران رژیم عین چنین خطراتی را قبلاً نیز به اهالی روستاهای ضائق "سیرقاز"، "کورک ۱" و "هوک" از جمله روستاهای "امین آباد"، "حبه و نه وانه"، "عین ملا"، "پیر میکائیل"، "قلات"، "کوشان"، "اصحاب"، "سرهلان" و "هشت یله بالا"، "هشت یله پایین"، "برایمه"، "حسن چپ"، "به هه ری"، "بیبنگون"، "قلات"، "سارده"، "گولان"، "صی دایک کوراق"، "تشفه بالا"، "تشفه پایین"، "گولیان"، "پلکه"، "سرگرو"، "دولیه مه"، "کارگه"، "قاسینه" و "خانین استی" رسیده و ... داده بودند.

ایماد این تخلیه و تخریب گسترده روستاهای مقاوم مناطق مختلف کردستان انقلابی، تنها و رشکستی سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در کردستان را آشکار می سازد. این رژیم در پیش روی مردمش سال کشتار و سرکوبگری در کردستان، علیرغم استقرار بیش از دو هزار پایگاه و بیادگان بزرگ و کوچک در اقص نقاط این خطه خونین، عجز و زبونی خود در مقابل اراده خلك ناپذیر خلق قهرمان کرد را با ویران نمودن خانه و کاشانه اهالی زحمتکش روستاها و آواره نمودن آنها به نمایش می گذارد.

خلق رزمنده کرد!

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!  
احزاب و سازمانهای دمکرات و انقلابی ایران و جهان!

برای مقابله با سیاست ارتجاعی تخلیه و تخریب روستاهای مناطق مختلف کردستان که هر کدام در دستکمی علیه مزدوران این رژیم ارتجاعی است، باید وسیع ترین مبارزه را برای انشای چهره صفور این رژیم در پیش به پیش برد، و ماهیت ارتجاعی چنین سیاست هایی را هر چه بیشتر در انظار افکار عمومی ایران و جهان افشاء نموده، فریاد اعتراض همگانی را علیه چنین دامنشوی برانگیخت. و در این راه از هیچ کوششی کتاهم ننهد. این وظیفه کلمه نبروهای انقلابی است که ضمن افشای ماهیت ارتجاعی چنین سیاستهایی



مکتوبیم

از رفیق

سیاسی گوردستان. عملکرد مینشی دارد و با انواع و اقسام مسائل صکن در زود آرایش چیره خورش است، هر چه بیشتر آشکار خواهد ساخت

اگر قرار بود که تنها گفتار احزاب و سازمانها و تحلیل خود آنها از صومیت و وضعیت طبقاتی خورش را صلاک سخاوت در باره آنها قرار داد و عملکرد مینی جریانات مختلف را در چنین آرنمایی دخالت نداد، بدون شك كومه له با ادعاهای دور و دراز خود قطب نمای دمکراسی در گوردستان می بود هر چند حتی همین گفتار و نه تنها کردار كومه له و حزب اونیز، در این زمینه هیچگاه چنین توهمی را بر هیچ کس در گوردستان بر جای نگذاشته است. مقاله نشریه کمونیت حزب كومه له در این زمینه، بیان گویایی از این واقعیت است. چرا که وضعیت بحرانی کنونی جنبش انقلابی خلق کرد، بیش از آن چیره واقعی هر جریانی را در مواجهه با معضلات کنونی جنبش آشکار نموده است که کسی نتواند در چنین برهه حاسی، پرده مانع بر آن بپفکند و ماهیت واقعی خود را در پشت الفاظ پنهان نماید. اما حزب كومه له در شرایط کنونی تنها با محض کتمان ماهیت طبقاتی خود روبرو نیست. این حزب تک یاخته، اینک محتاج رنگ آمیزی سیاست های امروز خود نیز هست. سیاست هایی که در شرایط کنونی بمنوان یک پای بحران کنونی عملکرد مشخصی دارد و جایگاه مینشی که تمام تلاش و نه تنها نوشته مورد ذکر بلکه کل ادبیات سیاسی كومه له و حزب او در مینند مخدوش نمودن این عملکرد و ارائه تصویری غیر واقعی از این جایگاه با تمیل به انواع و اقسام شیوه های غیر اصولی و گاه کاملاً منط است. کافی است همین نوشته اخیر نشریه کمونیت را به عنوان یک نمونه کوچک در نظر بگیرید. به شیوه برخورد آن با مسائل و نحوه استنتاج احکام صادره در آن را و قبل از همه خود این احکام را مورد دقت قرار دهید.

ببینید به چه شیوه ای و چگونه حزب كومه له در تلاش آن است که با هر وسیله ممکن اسم از تحریف و جعل حقایق بدر آرنمایی از موافق دیگران به نتیجه مطلوب خود دست پیدا کند. نشریه کمونیت که در همان سر لوحه ورود به مطلب نامه ما به حزب دمکرات را در آرای طالب "جالب توجه" برای هر کسی خواننده است، بلافاصله این "جالب توجه" بودن این اعلامیه را از نقطه نظر نشریه کمونیت چنین اعلام می دارد: "این اعلامیه تنیدی گویاست از ماهیت اپورتونیتی و ضد دمکراتیک مشغولیه ها ... در قبال جنگ داخلی در گوردستان و بلافاصله اضافه می کند: "این اعلامیه گواه تزلزل و ناپیکویی گذشته و حال خود اقلیت ... است."

نشریه کمونیت برای آن که بر این احکام صادره در مورد نامه ما جلوه حقیقی بدهد در ادامه مطلب، هم خود را محروف اثبات این احکام می کند. و درست در همین راستا هم هست که هنر واقعی خود را به نمایش گذارد. "نوشته" فاضل نشریه کمونیت، اول این نامه را به عنوان صیاده برخورد ما با سیاست های ضد دمکراتیک می گرد و فاتحانه اعلام می کند که این کشف تازه ای "نیست" همان ضد دمکراتیسی است که امروز صیب جنگ داخلی در گوردستان است و شما صبر کرده اید تا "به تن بدنه" سازمانی "تان" مالیده شود تا بالاخره علیه آن زبان به "انتراض" بکشاید. و قس علیهذا...

تصور می کنید که كومه له و شرکاء از مواضع ما بی اطلاعند و از تحلیل ما در زمینه علل درگیری های کنونی و سیاستهای پشت سر این درگیری ها خبر ندارند و این نامه واقعا اولین برخورد ما پیرامون چنین سیاست هایی بوده است؟ كومه له و شرکاء "صلماء" از مواضع ما مطلعند، صلماء می دانند که ما درباره این ضد دمکراتیسم نه در همین نامه، بلکه در تمامی مواضعمان به عنوان عامل اصلی در درگیریهای کنونی تاکید کرده ایم و به همین دلیل نیز تمام تلاش خودمان را در طول یک سال گذشته

بی وقته مصروف حصول به قطع درگیری ها از طریق افشای این ضد دمکراتیسم در هر شکل و شطابلی و تشییت و تحکیم اصول دمکراتیک در این جنبش به کار گرفته ایم.

ولسی مقاله این است که این تجاهل لازمه ادامه بحث نویسنده نشریه کمونیت است. او باید هم برای آنچه که در ادامه مطلبش می خواهد به رشته تحریر در آورد، از چنین مقدمه ای شروع کند. او در ادامه مقاله می گوید: برخلاف شما که در همین نامه خود را "راضی کرده اید" شکوائیه ای علیه حزب دمکرات بنویسید.

ما این ضد دمکراتیسم را، سالهاست که صدا می بینیم و افشا کرده ایم و امروز صصانه در جنگی که ادامه همین سیاست و عملکرد ضد-دمکراتیک است از حقوق دمکراتیک مردم ... دفاع می کنیم ... در مقابل: "مکتوب تاکنونی اقلیت و این شکوائیه امروزی او خصلت نمای عقب ماندگی و کوزه نظری سیاسی است ... (تاکید از ما)

بزرگواری هم حدی دارد آقایان! این که تنها در پیشبرد سیاست های مینشی در جنبش انقلابی خلق کرد "مدامه" و "بیکرانه" تلاش نموده اید، شکی نیست، ولسی برخلاف تصور شما این سیاستها امروز یک روی سکه بحران کنونی جنبش خلق کرد را تشکیل می دهد. دفاع از حقوق دمکراتیک مردم مفهوم و مضمون مشخصی دارد که قبل از هر چیزی خودش را در مادیت مینشی باید آشکار سازد. این دفاع "جانانه" شما چه محصولی جز همین درگیری هایی که بسیاری از دستاوردهای تاکنونی جنبش انقلابی خلق کرد را در معرض تاراج قرار داده است، پیکار آورده است. آیا هیچ وقت به سهم خود در ایجاد وضعیت کنونی در طول همین سالها فکر کرده اید، حاضرید از موضع یک جریان حدی و مسئول نظری به همین کارنامه پرتفج خود بپندارید. ولسی مطمئنا از شما نباید انتظار چنین برخوردی را داشت "عقب ماندگی و کوزه نظری سیاسی" تان هیچ گاه به

شما چنین اجازه ای را نخواهید داد. و اما "کوت تا کوسی" ضابطه این دیگر سقوط کومه له و شرکاء در ورطه دیپلماسی بورژوازی به همان ترین شکل آن است. ما در این زمینه بر آنان خرده نمی گیریم، چون این حضرات برای اثبات مدعای خود نیازمند چنین ترهاتی هستند، ولی و حالت تر از همه این نوشتار تلاش های نویسنده نشربه کونیت در گمان حقایق سعی آن در تبدیل نامه ما به حزب دمکرات به یک "شکوائیه" خصوصی است، تا آنرا "خلت نما" سازد و به دنبال آن هر چه در چتبه دارد، بیرون بریزد. به این ترفند ضرورانه نویسنده دقت کنید.

"اقلیت می نهد" تکرار چنین اتمالی (یعنی اقله کسیدن بر روی پیشمرگان اقلیت) ... نمی تواند جدا از سیاست های عمومی ای باشد که رهبری حزب دمکرات مدتهاست در پیش گرفته است.

(تاکید از ما) خوب دقت کرده ایم. ما گفته ایم که اقله کسیدن به روی پیشمرگان سازمان ما نمی تواند جدا از سیاست های عمومی رهبری حزب دمکرات باشد. ولی تنها ما فقط این شکوه خصوصی را کرده ایم یا نویسنده "فائل" نشربه کونیت دلق می خواند ما چنین بگوئیم: برای روشن شدن ساله عین همین قیمت نامه را از همان کلبه چه شده در نشربه کونیت می آوریم.

روشن است تکرار چنین اعمال وقت انگیزی و تحمیل درگیری های خونین گسترده بر پیشمرگان انقلابی خلق کرد. آیا مفهوم این عبارت اقله کسیدن به روی پیشمرگان اقلیت است؟ ما نمی تواند جدا از سیاست های عمومی باشد که رهبری حزب دمکرات گردستان مدتهاست در پیش گرفته است.

(تاکید از ما) تصور را بکنید که بسک جبران سیاسی در مباحثات خود با نیروهای دیگر با دست بردن حتی در عبارات آنها، موضع مورد نظر خود را از این یا آن نوشته آنها بیرون بکشد و سپس با چنگ انداختن بر همین دست بخت

**مکتوبیم**

خود، صفحه میاه کده چنین جریانی باید بسیار ورشکسته باشد تا مثل حزب کومه له برای رسیدن به نتیجه گیری های دلخواه خود، "تحلیل درگیری های خونین گسترده تر بر پیشمرگان انقلابی خلق کرد" را به "اقله کسیدن بر روی پیشمرگان اقلیت" تغییر دهد. و عقب ماندگی سیاسی خود را به حساب دیگران بگذارد. برآستی کدام ضافع خرد سازمانی کدام حساب سود و زیان است که از یک سازمان مدعی مارکسیست بودن این پدیده "آفته" به "جهل" و "عقب ماندگی" و "عجز" را می سازد. دوستان سفید تصور می کنید کسی می تواند این شیوه برخورد شما را "جز به حساب عقب ماندگی سیاسی تان، عجزتان از درک حقایق روشن و ابتدائی و صلحت جوئی تان" بگذارد؟ تلاش شما برای "اپورتونیستی" جلوه دادن موضع نامه ما به حزب دمکرات، شما را به چه منجلابی گشانده است!

اگر به یک نمونه دیگر از این برخورد های "با پرنسیب" نشربه کونیت هم نظری بیندازیم، برای درک این "عقب ماندگی سیاسی" حضرات، خالی از فایده نخواهد بود.

ما در بخشی از همان نامه به حزب دمکرات به دنبال اشاره به آنچه که بین پیشمرگان ما و مسئولین حزب دمکرات در منطقه بانه روی داده بود گفته ایم که:

"اگر چه اینگونه برخوردهای خصمانه و ضد دمکراتیک مسئولین حزب در منطقه بانه، بی ارتباط و جدا از اطلاعاتی تهدید آمیز دفتر سیاسی حزب دمکرات گردستان ایران است با این اطلاعات قبلا در ریگای که ل شماره ۲۸

فروردین ماه ۶۴ برخورد کرده ایم [و گفتارهای رادیویی آن صبی بسیار برخورد های خصمانه بسیار نیروهای انقلابی که به رهبری اتمالی حزب دمکرات بر جنبش انقلابی خلق کرد کردن نمی گذارد، نیست، با این همه، همانگونه که در مورد قلی نیز مذکور بود چنین برخوردهای را ضرورا به دفتر سیاسی حزب دمکرات تذکر داده ایم، امروز نیز بدین وسیله تذکر می شویم که دفتر سیاسی حزب دمکرات

گردستان باید از هرگونه برخورد های خصمانه و فاجعه بار علیه پیشمرگان انقلابی خلق کرد ضحمله پیشمرگان ما دست برداشته و پیش از این ضطق سیاسی را کنار نگذارد و از تحصیل درگیری های

خونین نظامی به نیروهای انقلابی جدا بیرهیزد. (تاکیدات مجدد) و برای شرفهم شدن نویسنده نشربه کونیت شده است.

و نویسنده "نشربه کونیت" که در "تظاهر به جهل" به طولانی دارد، در برخورد به این بخش از نامه ما هم تمام هنر خود را به کار گرفته است.

گفته کنید: اقلیت ترجیح می دهد صرفا از حزب دمکرات بخواهد که پیش از این ضطق سیاسی را کنار نگذارد و از تهدید درگیری های نظامی خونین به نیروهای انقلابی بیرهیزد. آخر دوستان عزیز... حزب دمکرات "ضطق سیاسی را مدتی طولانی است که کنار گذاشته است."

"آیا این جهل یا تظاهر به جهل" نسبت به ضمن همین نقل قول سرودم برندهای نیست که در نشربه کونیت آورده

در نسخه مورد استفاده نشربه کونیت از نامه ما به حزب دمکرات، اشتباهها به جای تحمیل، توطئه "چاپ زده است و غیرمزم آنکه نسخه اصلی این نامه به رهبری کومه له قبلا ارسال شده بود و نیز در خود آن نسخه مورد استفاده نشربه کونیت چند مطراییین تر همین تحمیل درگیری ها، تکرار شده است، ولی نویسنده نشربه کونیت ترجیح داده است از همان "تهدید" استفاده نماید، لیکن مادر این زمینه اصل را بر عدم اطلاع می گذاریم و بدین وسیله ایشان را به نسخه اصلی ایسن نامه ممدوح در ریگای که ل شماره ۳۳ شهریور ماه ۶۴ ارجاع می دهیم.



### کتاب و یادداشت

شده است؟ اگر حزب دمکرات "مدتی طولانی" نبود که "منطق سیاسی را کنار گذاشته" دیگر نیازی به آوردن "بیش از این" نبود. کافی بود گفته شود که "منطق سیاسی را کنار نگذارید" دیگر از تحمیل درگیری های خونین نظامی به "نیروهای انقلابی" صحبت نمی شد - درست به همان گونه که باب میل شما در این برخورد نیز هست - گفته می شد به پیشمرگان ما و یا به ما و نه "نیروهای انقلابی" ولی مقاله "نوشته" تشریح کمونیت این حرفها نیست او همش را جزم کرده است که نشان دهد، نامه ما به حزب دمکرات "گواه تزلزل و ناپیکیری" است، يك "شکوائیه" است در این راه اگر لازم باشد او حتی از قب ضاهیم هم ابائی ندارد چنانکه چنین نیز کرده است. والا بر هیچ کس پیشونده نیست که تمامی تلاش جنبش انقلابی بر این بوده و هست که همین منطق "نظامی" حاکم بر ضامیات حزب دمکرات و کومه له را شوق ساخته، "منطق سیاسی" را جایگزین این شیوه از پیشبرد اختلافات سازد. و اکنون نوشته کومه له و سازمان او هم حداقل سرمنشی به سیاستها و شعارهای خود پای بند بودند، می توانستند درک کنند که آتش بی سوری و بدون قید و شرط، فقط بر اساس امکانپذیر بودن چنین منطقی که منطبق بر ضرورت این مرحله از رشد جنبش نیز هست، مطرح می شود. . . . شعاری که در طول يك سال گذشته، خواست عمومی توده های زحمتکش خلق کرد نیز پیورده و هست. ولی حتما کومه له و حزب او، تکرار اینگونه شعارها را يك بازی و مزاحکه می دانند، نه رهنمونی برای عمل و اتخاذ سیاستی منطبق با ضروریات جنبش. به نظر کومه له و حزب او هر کسی که بر ضد دمکراتیک بودن سیاستهای حزب دمکرات اذعان کرد باید قطعا در کنار سیاست تعرضی ضعیل کومه له قرار گیرد و عملا

وارد کودزور آزمائی بر سر سرنوشت جنبش خلق کرد گردد و از فیض این تقسیم فنانم دو جریان ناسیونالیست که هر کدام به نوبتی تلاش می کنند این "سرنوشت" را به قبای تن خود گره بزنند، بی نصیب نماند.

از همین روزها ساله نویسنده تشریح کمونیت از این که "حزب دمکرات منطق سیاسی را مدتی طولانی است کنار گذاشته است" صلافاً نه عدم درک صلافاً بلکه بل زدن به نتیجه گیری های دلخواه خویش است. او در تلاش اثبات حقانیت سیاست های انارشیستی حزب خود از هیچ کاری فروگذار نمی کند، شیوه برخورد ضعیفی که سرتاسر همین نوشته "کوبه" اما نمونه وار تشریح کمونیت مطرو از آن است. از این نمونه شیوه برخورد های نوشته "تشریح" کمونیت برای مداره به طلب خود که بگذریم، "جالب توجه" ترین بخش مقاله تشریح کمونیت را آن بخشی از استدلال های این تشکیل می دهد که هم آن صورتی این امر گفته است که ثابت کند این نامه "سنجی گواست از ماهیت... ضد دمکراتیک مخز مگیری ها در قبال جنگ داخلی در کردستان". استدلال کومه له و شرکا در این زمینه جالب تر از همه است. درست همین بخش از نوشته "تشریح" کمونیت هم هست که نشان می دهد چرا نوشته "این تشریح" اینقدر به خود پیچ و تاب داده است و چرا این اعلامیه "ضد دمکراتیک" است؛ به استدلال های کومه له و شرکا در این زمینه گوش بدهید تا رمز این ضد دمکراتیسم بهتر روشن شود.

این اعلامیه نشان می دهد که سرنوشت دمکراتی در کردستان از کومه له جدا نیست، که امروز حک دمکراتیسم هر نیرو درجه پشتیبانی آن از کومه له در برابر حزب دمکرات است، که هر گروه سیاسی، اگر واقعا مدافع آزادی و دمکراسی است... باید خود را بی هیچ ابهامی در کنار کومه له قرار دهد... (تاکیدها از ما)

توجه کردید، این تنها حزب دمکرات نیست که می خواهد بر رهبری او گردن بگذارد. مقابل تحصیلات و تهدیدات آن سر فرود آورید، این کومه له است که میزان پشتیبانی از خود را، ملاک دمکراتیسم قرار داده است، این کومه له است که سرنوشت دمکراسی در کردستان را به سرنوشت خودش پیوند زده است، درست به همان شیوه مداره به صطوب حزب دمکرات که جنبش خلق کرد را در خود و سیاست های ضد دمکراتیک خود خلاصه کرده است. اشتباه نکنید این کومه له مدافع "دمکراسی" (!؟) است، که می گوید:

"حمایت بی قید و شرط از کومه له خود بهترین و عینی ترین ملاک برای قراوت دانسته" دمکراتیسم و عشق انقلابیگری هر سازمان و جریان سیاسی این زمین است... از همین جا هم باید فهمید که چرا نوشته "تشریح کمونیت" این چنین طلبکارانه می گوید: "اقلیت در نامه خود" توجیح می دهد نامی از کومه له نبرد نامی از این جنگ (درگیری) او با حزب دمکرات نبرد.

واقعا جای عیانیت دارد که تنها "حمایت بی قید و شرط" از کومه له نکرده است، حتی شعاری از کومه له هم نکرده است. پس طبیعی است که در نرازویی خود و زبان "این بهترین و عینی ترین ملاک" "حمایت بی قید و شرط از کومه له" بهترین کار این "اقلیت" چه اسم و عنوانی می توان نهاد وقتی که "دلالت" دمکراتیسم آن این قدر از این جنبه تنگ است که به جنسی "حمایت بی قید و شرط" جنسی حاضر نمی شوند. نام کومه له را هم ذکر کند چه جای شبهه ای باید در "ضد دمکراتیک" بودن آن داشت، و انقلابیگری آن چه "عشق" می تواند داشته باشد. ولی معلوم نیست چرا در این مورد آخری کومه له و شرکا فراموش کرده اند، قضا صادر نمی کنند.

بلخ در استان عزیزا اکرم مدافع دمکراتیسمی که شما برای آن "سازره" می کنید همین قدر باشد و "عشق" انقلابی - گری شما در این سازره تا این حد، حق با شماست، باید هم از

## اخبار جنبش توده‌های



اعتراض به این عمل ارتجاعی بطور یکپارچه در جلوپادگان بیوزی تجمع نموده و دست به تحمین زدند. خواستار آزادی دستگیر شدگان گشتند.

مزدوران از ترس گسترش اعتراض اهالی از ضمنی شدن می‌خواهند تا پراکنده شوند. اما اهالی همچنان بر خواست خود پسی نشسته و بر اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

در این منطقه کردهای آواره عراقی که به شهرهای کردستان مراجعه نموده اند، از سوی مزدوران تحت فشار سیاست تسلیم اجباری قرار گرفته اند. مزدوران از آنها خواسته اند که صلح زده و به جبهه های جنگ ایران و عراق بروند. آوارگان عراقی که متضرر از این چنین سیاست هایی هستند، به خواست مزدوران تن نداده و قریب به ۳۵ خانواده از آنها برای نجات خود از زیر فشار مزدوران به مناطق تحت کنترل پیشمرگان روی آورده اند.

### مربوان

مزدوران رژیم در زمینه اجرای سیاست تسلیم اجباری به هر حربه ای از جمله آزار و اذیت اهالی روستاها متوسل گردیده اند. و از همین طریق هم

## اعتراضات توده‌های علیه تسلیم اجباری

### سندج

در اثر ضربات کوبیده پیشمرگان انقلابی، مزدوران درمانده، تلاش زیادی نموده اند تا با تمسک به سیاست تسلیم اجباری زحمتکشان این منطقه را تحت فشار قرار دهند. در همین رابطه زحمتکشان مناطق "کلانترزان" و "واوه رود" برای تسلیم اجباری و قرار گرفتن در خدمت سیاست رژیم بعنوان سرباز پاسدار تحت فشار و آزار قرار گرفته اند و تعدادی از جوانان زحمتکش با زور وادار به تسلیم شده اند!

### پیرانشهر

در ادامه اجرای سیاست تسلیم اجباری مزدوران رژیم عده ای از اهالی روستای "سیرکانی" را بازداشت و زندانی نمودند. در تاریخ ۶۴/۸/۲۰ اهالی روستا اسم از آن روستا به نام و حاکم داد

بود که موفق شدند عسکرای از زحمتکشان روستای "وله ژیر" را وادار به تسلیم اجباری نمایند. این افراد کببه روستای "سیانو" برده زده بودند. در آنجا جهت تکبانی و کار می‌شورد استفاده قرار گرفتند. سپس از پیشانی افراد صلح شده کهنه حاضر می‌بودند در خدمت سیاست های ارتجاعی رژیم قرار داشته باشند، طی یک حرکت اعتراضی مقرر و پایگاه مزدوران را ترک کرده و حاضر نشدند. مجدداً به "سیانو" برگردند.

مزدوران که بارها با اعتراض افرادی که اجباراً وادار به تسلیم شده بودند، روبرو گشتند، هر بار سعی کردند تا با فریب و حيله از پاسخگویی به خواست آنها سرباز زنند که بالاخره این افراد، در پایان صلبتی کهنه مزدوران رژیم قبول داده بودند بعد از پایان آن ملاحضه را تحویل بگیرند و به قول خود عمل نکرده بودند، برای همیشه مقرر و پایگاه مزدوران را در "سیانو" جا گذاشته و حاضر نشدند به آن محل بروند.

مزدوران رژیم در تداوم سیاست خود بظهور دستگیری اهالی روستاها، هر شب پورش جدیدی را آغاز می‌کنند، و از جمله در پورش به روستای "وله ژیر" در نفر از زحمتکشان این روستا را بازداشت نموده اند.

همچنین زحمتکشان روستای "وله ژیر" که به مدت ۶ ماه مجبوراً تسلیم شده بودند، پس از پایان موعد مقرر در مقابل خودداری رژیم از بیس گرفتن ملاحها بطور یکپارچه دست به اعتراض زده و سرانجام موفق شدند ملاحها را به رژیم باز پس دهند.

بعد از این اعتراض دستجمعی، مزدوران رژیم دوباره به منظور صلح نمودن تعداد دیگری از اهالی این روستا، دست بکار شدند و با مشخص کردن ۳۵ نفر، از آنها خواستند که اسلحه رژیم را بردارند. زحمتکشان در مقابل این خواست مزدوران دست به اعتراض زدند با این وجود رژیم در پورشهای شبانه خود تاکنون موفق شده است که ۱۱ نفر از اهالی روستای "وله ژیر" را دستگیر نماید و به ۷ نفر از آنها ملاح تحویل دهد.

### ☆ اخبار جنبشی توده‌ای

در تاریخ ۱۴/۸/۱۰ به نهبال اینته اهالی روستای وشک‌لان در برابر خواست مزدوران صبی بر تسلیح اجباری اعتراض نمودند. مزدوران به این روستا هجوم برده و ۲ نفر از اهالی را مورد ضرب و شتم قرار دادند. مردم روستا نسبت به این حرکت مزدوران دست به اعتراض زده و با حمله به مزدوران آنان را وادار به عقب نشینی می کنند.

در ضمن ۴ نفر از افراد بزور مسلح شده روستای کوره یره منطقه کوماسی که در جریان تخریب پایگاه مزدوران توسط پیشمرگان، اسیر شده بودند و در زندان بصری بودند، پس از آزادی توسط پیشمرگان از جانب مزدوران دستگیر می شوند و پس از شکنجه و آزار یکی از آنها توسط مزدوران بطور وحشیانه ای اعدام می گردد و ۳ تن دیگر در زندان رژیم باقی مانده اند.

### سفر

در تاریخ ۲۳ / مهرماه مزدوران رژیم که جهت اجرای سیاست تسلیح اجباری به روستای کنده لان رفته بودند توسط زنان زحمتکش این روستا مورد هجوم قرار گرفته و طی این حمله اهالی خودروهایی آنان را با سنگ و چوب در هم منی شکنند. مزدوران در برابر اعتراض اهالی اقدام به تیراندازی می کنند که یکی از زنان مجروح می گردد.

همچنین در حرکتی مشابه، زنان زحمتکش روستای بوبکان بعد از اطلاع از ضد مزدوران رژیم جیت ورود به روستا، مسیر حرکت آنان را سد نموده و سرانجام با اعتراض و ایستادگی خود مزدوران را وادار به عقب نشینی می کنند.

زحمتکشان روستاهای طاهرینده، کنده لان، بوبکان، در اعتراض به سیاست های سرکوبگرانه مزدوران و امتناع از پذیرش خرابیهای آنان این روستا را تخریب کرده و به راه روستاهای اطراف پناه برده اند.

مزدوران رژیم همچنان در ادامه سیاست تسلیح اجباری در تاریخ ۱۴/۸/۲ به اهالی روستاهای کیدلان، کانی زینه، کویزه، کویزه، قاره مان، قنلق، بوبکان، سید آبار، شیخ چوپان و طاهرینده، فشار آورده اند تا بلکه اهالی این روستاها را صلح نمایند. اما زحمتکشان این روستاها، یکبارچه در مقابل خواست مزدوران و سیاست های سرکوبگرانه آنها دست به اعتراض زده اند و اعلام نموده اند که حاضر نیستند به این سیاست رژیم تن دهند. اهالی این روستاها بعیت فشار و آزاریت مزدوران آورده شده و خانه و کاشانه خود را ترک گفته اند.

در این اواخر نیز مزدوران به زحمتکشان روستای ضامن آوا فشار آورده اند که صلح شوند. زحمتکشان ضمن اعتراض، از هرگونه تن دادن به این خواست سرباز زده اند.

### ربط

مزدوران رژیم در ادامه سیاست ارتجاعی تسلیح اجباری، زحمتکشان چند روستا را در منطقه میدان چوقه تحت فشار قرار داده تا با صلح شدن در خدمت سیاست های ضدانقلابی رژیم قرار گیرند. تا کنون اعمال این سیاست توأم با شیوه های رزولانه صورت گرفته و از جمله مزدوران بمنظور تشدید فشار خود از رفت و آمد اهالی روستا به شهرها جلوگیری به عمل آورده اند.

### بانه

در منطقه بانه اهالی روستاهای پین یا پین و گویزلی در مقابل فشار مزدوران برای اجرای سیاست تسلیح اجباری دست به اعتراض زده و تن به خواست مزدوران رژیم نداده اند.

## اعتراضات توده‌ای

### علیه

### سربازگیری اجباری

طی ماههای اخیر ضماقت تبلیغات جنگی از سوی رژیم منی بر کببیرونه‌های نظامی در جبهه های جنگ، موج وسیعی از اقدامات ارتجاعی سربازگیری اجباری، بیج گیری جوانان و اعزام آنان به جبهه ها، شهرها را فرا گرفت.

رژیم برای جبران کمبود شدید نیروی انسانی که در اشکتهای بی درسی بنحو مصنوعی گردانندگان این جنگ ارتجاعی را با مشکل روبرو ساخته، علاوه بر اعزام گروههای مختلفی از جوانان به مراکز نظامی و جبهه ها، تلاش نمود تا توده های مردم را به تکلیف در برابر سیاست جنگی خود وادار نماید.

در کردستان نیز رژیم بر شدت سیاست سربازگیری اجباری افزود و همچون گذشته با یورش به روستاها و کنترل نظامی جاده ها و محل تردد مردم در فواصل شهرها، اقدام به دستگیری جوانان و اعزام آنها به یارگانها نمود. اخبار زیر مربوط است به گوشه هایی از اقدامات مزدوران رژیم در مناطق روستایی کردستان، اعتراضات دسته جمعی اهالی زحمتکش روستاها و آبراز تنفر نسبت به سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی.

### مهاباد

روز ۱۴/۷/۲۱ مزدوران با نیروی مسلحی روستاهای یعیقوب آباد، چوغان لیس، حیران، سی سروران،

تیره ش...، قه ل...، محمود آباد و ضاک آبار را مورد حمله قرار می دهند و این روستاها را به محاصره خود در می آورند. هدف مزدوران



### اخبار جنبش توده‌ای

از این حمله سرپازگیری اجباری، دستگیری جوانان و روانه ساختن آنها به جبهه‌های جنگ بوده. مزدوران با ضرب و ختم اهالی این روستاها موفق می‌شوند. عده‌ای از جوانان را دستگیر نمایند و افراد دستگیر شده را به شرکت حسین آباد مانند و آب منتقل کرده و در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ تعداد زیادی از آنها را به ارومیه روانه می‌کنند تا از آنجا روانه جبهه‌های جنگ ایران و عراق گردند.

مزدوران در تاریخ ۲۱/۷/۶۴ به منظور سرپازگیری با نیروی زیادی به روستاهای منطقه "چوم مجید خان" یورش برده و بعد از محاصره روستاها با تفنگ و خانه گردی در صدد دستگیری جوانان بر می‌آیند.

این عمل مزدوران با اعتراض زحمتکشان روستاهای این منطقه روبرو شده و در روستاهایی چون "سرجان"، "حاجی لک"، "خان کندی"، "قره‌کول" و "دهوه شاره" اعتراضات اهالی بحدی رسید که خبر به درگیری با مزدوران شد که طی آن سرو دست چندین پادامه خد خلقی شکست و در حین درگیری، مزدوران از پایگاههای اطراف تقاضای نیروی گکی داشتند در روستای "حاجی لک" پس از مراجعه نیروی گکی همچنان اعتراضات اهالی ادامه یافت.

مزدوران که در برابر اعتراضات و خشم زحمتکشان عاجز و ناتوان مانده بودند، برای حیران شکست ضحیحخانه خود در بکارگیری سیاست ارتجاعی سرپازگیری اقدام به تیراندازی نمودند که در نتیجه این عمل ارتجاعی مزدوران یکی از اهالی بیدفاع بنام محمد آشه بالکی به شهادت رسید.

با این وجود مزدوران رژیم موفق به تحمیل سیاستهای ارتجاعی خود به اهالی این

منطقه نگردیدند زحمتکشان روستاهای منطقه "چوم مجید خان" برای چندمین بار ثابت کردند که حاضر به تکلیف در برابر رژیم نبوده و نیستند و رژیم با توسل به هیچ حربه جنایتکارانه‌ای قادر به درهم شکستن اراده توده‌های خلق گرد نیست.

### بوکان

مزدوران رژیم در شهر بوکان و روستاهای اطراف در ایام گذشته‌ای دست به سرپازگیری اجباری زده‌اند، بطوریکه با توسل به آزار و اذیت، تاکنون حدود ۵۰۰ نفر از جوانان زحمتکشان این شهر و روستاهای اطراف آن را دستگیر کرده‌اند.

زحمتکشان روستاهای منطقه فیض‌اله بیگلی نیز در رابطه با سیاست ارتجاعی سرپازگیری تحت فشار و اذیت و آزار قرار گرفته‌اند.

مزدوران برای دستگیری و بدام انداختن جوانان این منطقه شبها به روستاها هجوم می‌برند و روستاها را به محاصره خود در می‌آورند و به دستگیری جوانان می‌پردازند.

این اقدام مزدوران از سوی جوانان و اهالی روستاها با اعتراض روبه‌رو شده است. مزدوران بغیر از ۱۱ نفر از جوانان که در روستای "آلتون" و "قاره آوا" دستگیر نبوده‌اند، در بقیه روستاهای این منطقه ناموفق بوده و قبل از هجوم به روستا، جوانان با هوشیاری از دام آنان گریخته‌اند.

### اشنویه

مزدوران رژیم با اعمال فشار بر اهالی زحمتکشان روستاهای منطقه اشنویه از جمله "تروانه"، "دوستک"، "لسورگان"، "گلایس" و "شیره بیرو" در منطقه "نه لاس" از آنها خواسته‌اند تا جوانانشان را برای اعزام به سرپازی آماده نمایند. زحمتکشان این روستاها با اعتراضات خود، هیچگونه اختیاری به خواست مزدوران نگردیده‌اند.

### سنندج

مزدوران رژیم پس از شکست سیاست‌های ارتجاعی خود در زمینه سرپازگیری اجباری در روستای "پانچو" در منطقه "هریله مارال" در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ بار دیگر مردم این روستا را زیر شکنجه و آزار قرار دادند. اهالی بر پاسخ خود به مزدوران یابی فخرده و بازهم طمع کردند که "ما به سرپازی نمی‌رویم!"

مزدوران که در برابر اهالی عاجز و ناتوان مانده بودند، اقدام به دستگیری یکی از اهالی می‌نمایند که در اثر ادامه اعتراض زحمتکشان و تجمع آنان در مقابل پایگاه مزدوران فرد دستگیر شده را آزاد می‌کنند. دو روز بعد حدود ۳۰۰ نفر از اهالی این روستا به عنوان اعتراض نسبت به این سیاست مزدوران به شهر سنندج رفته و با تجمع در جلوسوی استانداری اعلام می‌دارند که حاضر نجنبیم به سرپازی برویم. مزدوران در جواب به مردم خشکین متعرض به آنها می‌گویند که تا سه ماه دیگر کسی با شما کاری نخواهد داشت.

### سقز

مزدوران طی چهار روز حوالی (۱۹ تا ۲۲ آبان) در شهر سقز و روستاهای حوالی اقدام به سرپازگیری اجباری نمودند.

مزدوران با ایجاد یست‌های بازرسی در جاده‌های اصلی فواصل شهرها و کنترل وسایل نقلیه به بازرسی صافترین می‌پردازند و اقدام به دستگیری جوانان می‌کنند.

در روستاهای حوالی شهر از جمله "آخکند"، "یازی بلاغی"، "قاره آوا"، "آلتون"، "سراج"، "سرجاوه" و چند روستای دیگر در منطقه "تیله‌ک" بعد از محاصره آنها عده‌ای از جوانان را دستگیر نمودند. شدت این دستگیری‌ها بحدی بود که در برخی موارد از یک خانواده ۳ نفر توسط مزدوران دستگیر شده‌اند. زحمتکشان در شهر و

ربط



اخبار جنبش توده‌ای

روستا نسبت به این اقدام ارتجاعی دست به اعتراض زده اند عده‌ای از اهالی شهر مقرر با تجمع خود نفرت و ازبجاریان را به نمایش گذارده اند.

چندی پیش نیز جانشینان مستقر در شهرک ربط با پیروش خود به روستای "اشقل" پیروزان معرفی خود به عنوان پیشمرگه به یکی از خانه‌های این روستا، صاحب خانه را مورد ضرب و شتم قرار داده و با فشار جنسی از آنها می‌گیرند.

مزدوران مستقر در ربط با هراس همیشگی از تعرض پیشمرگان انقلابی اقدام به مین‌گذاری در مسیر تردد اهالی کرده‌اند که در اثر انفجاریکی از این مین‌ها زحمتکشی پایش را از دست داد.

سیاست آزار و اذیت زحمتکشان

فشارهای سیاسی و اقتصادی

در مهاباد

جنبش انقلابی خلق کردستان

ارومیه

طی ماه گذشته در این منطقه همچنان توده‌های بی‌دفاع خلق کرد از سوی مزدوران جنایتکار رژیم تحت آزار و اذیت شدید قرار داشتند. در ادامه سیاست بغایت ارتجاعی رژیم مبنی بر تخریب روستاها و آواره نمودن ساکنین آنها، جانشینان مزدور و پامداران ضد خلقی انبارهای علوفه ذخیره زمستانی روستاهای "خیشکو"، "انسی" و "کانی سی" را به آتش کشیدند. فشارهای مزدوران سبب گردیده است تا اهالی بناچار احشام خود را که ضعیف درآمد و امرار معاش آنها می‌باشد فروخته، روستای خود را تخلیه کرده و آواره شهرها و روستاهای اطراف گردند.

کورانته پیروز بوده بودند. در اثر مقاومت و اعتراض یکپارچه اهالی از روستا بیرون رانده شدند و در اثر پیروش مزدوران در تاریخ ۲۴/۸/۲۴ یک جوان از اهالی روستای "سی" به شهادت رسید. همچنین در منطقه "مرگور" نیز مزدوران از اهالی روستای "قاپر" بنام پیشمرگه یول اخاذی نمودند.

در تاریخ ۲۴/۸/۱۸ جانشینان مستقر در روستای "گردوان" با پرتاب ۲ نارنجک نوع ۲ تراکتور اهالی ۴ نفر از سرنشینان تراکتورها را جرح ساختند.

بانه

در تاریخ ۲۴/۸/۱۲ روستای "شه‌دینان" توسط مزدوران مستقر در پایگاه "منجیلان" هدف آتش توپ و خمپاره قرار گرفت که در نتیجه آن یک زن حامله شهید و ۱۰ تن دیگر نیز زخمی شدند.

همچنین چند روز پیش مزدوران رژیم به محض اطلاع از عدم حضور پیشمرگان انقلابی در منطقه "خیل‌ره‌ش" با بسیج نیرو به روستاهای "کیوه‌رو" و "گله‌سوره" پیروز آورده و به آزار و اذیت زحمتکشان این روستاها پرداختند. که در نتیجه این عمل ضد خلقی یک نفر از اهالی روستای "گله‌سوره" جان خود را از دست داد.

در ۲۷ مهرماه نیز روستای "کورانته" مورد پیروش جانشینان قرار می‌گیرد. در اولین ساعات شب در اثر درگیری بین خود مزدوران ۲ جانشین زخمی می‌شوند. مزدوران روز بعد با واداشتن اهالی به تجمع، به آزار و اذیت آنها می‌پردازند. مزدوران به مردم می‌گویند که از داخل روستا بطرف آنها تیراندازی شده است و با همین بهانه چند تن از جوانان را دستگیر و با خود می‌برند.

همچنین جانشینان منطقه "ترگور" زحمتکشان این منطقه را جهت اخاذی مورد فشار قرار داده‌اند. جانشینان که بقتل گرفتن یول به روستای

مزدوران رژیم در تاریخ ۲۴/۸/۱۶ در بناویله گردان یک نفر زحمتکش را بطرز فجیعی به شهادت می‌رسانند.

همچنین ضمن آزار و اذیت زحمتکشان شهر "مرگور" سرکشت، دست به سران کردن اقلبای احشام آنان می‌زنند.

در تاریخ ۲۴/۸/۱۴ مزدوران در محلهای تردد این روستا اقدام به مین‌گذاری می‌نمایند. عده‌ای از زنان زحمتکش همین برکت از کار روزانه به محض اینکه ضربه مین‌ها می‌شوند. علیه مزدوران اعتراض می‌کنند. مزدوران به اهالی اسلام می‌کنند که کسی حق رفت و آمد و خارج شدن از روستا را ندارد! روز بعد چند مرد زحمتکش که یکی از آنها اهل روستای "گندمان" بود و قصد ورود به روستا را داشتند از طرف مزدوران دستگیر می‌شوند و به سرکشت برده می‌شوند.

روز ۸/۱۵ زحمتکشان این روستا که با نفرتی عمیق و خشمی انباشته شده، در داخل روستا تجمع کرده بودند تصمیم می‌گیرند بر علیه مزدوران اعتراض نمایند. اهالی با اعتراض به فشار اذیت و آزار و محاصره به طرف یکی از مقرهای مزدوران در داخل روستا به حرکت در می‌آیند و سرانجام موفق می‌شوند با واداشتن مزدوران به عقب نشینی روستا را از محاصره آنها در بیاورند.

### ☆ اخبار جنبش توده‌ای

#### پیرانشهر

در تاریخ ۲۴/۸/۶۴ مزدوران رژیم پس از تحمل ضربات کاری از پیشمرگان، حین عقب نشینی از مسیر جاده پیرانشهر - سردشت و حشیانه به سوی چند نفر چوپان تیراندازی می‌کنند که در نتیجه این عمل و حشیانه یکی از آنان به شهادت می‌رسد.

#### مریوان

مزدوران گروه ضربت در روستای دگاکا به سوی مردم تیراندازی می‌کنند و مقر را به شهادت می‌رسانند. اهالی زحمتکش روستا در مقابل این عمل جنایتکارانه دست به اعتراض می‌زنند. مزدوران برای جلوگیری از گسترش اعتراض اهالی و نجات خود از خشم و کین آنها پیشمرگان این عمل را به پیشمرگان انقلابی نسبت می‌دهند.

#### سنبلج

مزدوران رژیم در روستاهای هاله دره بالا و هاله دره پایین دست به غارت و چپاول زحمتخان زده و تلاش نمودند این عمل ارتجاعی خود را به پیشمرگان انقلابی متنب نمایند.

مزدوران رژیم در روستای هاله دره بالا و هاله دره پایین دست به غارت و چپاول زحمتخان زده و مذبوحانه گوشیدند که پیشمرگان انقلابی را اهل این سیاست‌های ارتجاعی قلمداد نمایند. اما زحمتخان این روستاها با آگاهی از ماهیت ارتجاعی مزدوران رژیم بدون کسری کم احتیاطی به تبلیغات ضد انقلابی آنان با کینه و نفرت به اینگونه اعمال مزدوران می‌نگرند.

#### مهاباد

مزدوران رژیم پراز تحمل ضربات پیشمرگان خلقی کرد در

۶ و ۷ آبانماه سال جاری و حشیانه این روستا را به توپ و خمپاره بستند که در نتیجه ۲ زن زحمتکش این روستا مجروح گردیدند.

لازم به ذکر است که در بیت و یکم مهرماه نیز مزدوران معروف به گروه ضربت، متفر در روستای دارلک به روستای قم قلمه در منطقه شاریوران مهاباد یورش بردند و به آزار و اذیت اهالی روستا پرداختند که در جریان این عمل یک زن زحمتکش مجروح گردید. زحمتخان نسبت به این رفتار ضد خلقی دست به اعتراض زده و خشم و نفرت خود را به نمایش گذاردند.

صدتی است که جاشهای منگور که اکثر آنها قحودالهای منطقه منگور هستند، با اتکا به مزدوران صالح رژیم مذبوحانه در تلاشند تا مجدداً بتوانند با احیای بساط ظلم و ستم خود و خانقاهی در این منطقه کعب سلطه نمایند. در همین رابطه اهالی روستاهای منطقه را نیز فشار قرار داده و از زحمتخان طلب پول، گوشت و جریه‌های متعدد را دارند.

در این روزها نیز این مزدوران در روستاهای سرانسه، محمود آباد، حسن چپ، بیجنگون، موسی دایک، کوزراو، زیوه، که وسر و... مبلغی نزدیک به ۲۵۰/۰۰۰ تومان و تعدادی احتشام از اهالی بغارت برده‌اند، اهالی ۱۳ روستای این منطقه جهت اعتراض به این اقدام مزدوران، به فرمانداری شهر مهاباد رفته و با اعتراض خود از مقامات خواستند تا به این اعمال بددستانه رسیدگی گردد. فرماندار مزدور که خود از همدمان جاشهای می‌باشد، با بی اعتنائی از هر گونه پاسخ به زحمتخان طفره رفته است.

بدنیال شکست زحمتخانسه مزدوران در روستاهای کوخان، بیجنگون و لوج در تاریخ ۱۸/۸/۶۴ مزدوران برای جبران این شکست، منطقه را به طرز و حشیانه‌ای به توپ و خمپاره می‌بندند که در نتیجه این عمل و حشیانه در ارتفاعات روستای

گولیمان یک جوان اهل روستای خانقا به شهادت می‌رسد

در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ مزدوران رژیم یک نفر از اهالی روستای برده ره‌شان را که هشت روز قبل دستگیر نموده بودند پس از شکنجه و آزار و حشیانه اقدام نمودند.

#### اشنویه

مزدوران رژیم روستای دوستک را با توپ خمپاره و کاتیوشا کوبیدند و خسارات زیادی به زحمتخان این روستا وارد گردید. سپس مزدوران و حشیانه به داخل روستا یورش برده و دست به غارت اشیاء قیمتی و پول اهالی زدند.

در تاریخ ۲۴/۷/۶۴ نیز مزدوران یک چوپان اهل سیوا را دستگیر و بخت او را آزار و اذیت دادند. در ۲۸/۷ نیز دختران و زنان روستای دلو که بسیاری دوشیدن حیوانات خود می‌رفتند، مورد تیراندازی مزدوران قرار می‌گیرند. در روز ۲۷/۷ نیز در اثر تیراندازی جاشهای متفر در پایگاه زبسی یک یسویچه مجروح می‌گردد. در ۲۹/۷ نیز انبارهای علوفه ذخیره زمستانی روستای ناری توسط مزدوران به آتش کشیده می‌شود که برای توجیه این عمل جنایتکارانه مزدوران طبق معمول این عمل خود را به پیشمرگان نسبت می‌دهند.

در یکم آبانماه جاشهای مزدور با یورش به روستای شیرانه، و حشیانه به ضرب و شتم مردهای اهالی این روستا می‌پردازند. زنان و دختران روستا در مقابل این اعمال دست به اعتراض می‌زنند و به‌علیه رژیم شعار داده و به درگیری با مزدوران می‌پردازند. که در نتیجه ۲ جاش مزدور خلع سلاح می‌گردند. مزدوران برای نجات جان خود اقدام به تیراندازی می‌کنند که در اثر آن یک نفر از اهالی مجروح می‌گردد. با اوج گیری اعتراضات، مزدوران پا به فرار گذاشته از روستای مذکور خارج می‌گردند.

همچنین روز بعد در روستاهای خان لور، صه وزه،



### ☆ اخبار جنبش توده‌ای

«عالمبارا»، مزدوران که برای جبران ضربات محفل شده از سوی پیشمرگان به این روستاها پوروش آورده بودند اهالی این روستاها را بشدت مورد آذیت و آزار و شکنجه قرار دادند.

در تاریخ ۶۴/۸/۸ جانها

و پاسداران حین مراجعه به پایگاههای "نه لیوان" و "شاوانه" در حوالی روستای "شماواته" ۳ چوپان اهل روستاهای "گرتک شان" و "شاوانه" را بطور وحشیانه ای بشفادت رسانیدند.

### سردشت

روز ۶۴/۸/۱۶ مزدوران رژیم پس از تحمل ضربات مهلکی که در اثر عملیات پیشمرگان انقلابی بر آنها

تلاش داشت تا پاسداران مزدور را از میان بازوان قدرتمند توده‌ها بیرون کشیده و آنها را نجات دهد، خود نیز از کینه اهالی بر کنار نماند و کتک مفصلی نوترجان کرد.

در اثر این کشتار و درگیری جمعیت زیادی در محل گرد آمده و هر دم بر اعتراضات آنان علیه مزدوران رژیم و سیاست‌های سرکوبگرانه آن‌ها افزود و صبح شد به قاصد کوتاهی یک خودرو وابسته به نیروهای مسلح رژیم بسیاری پراکنده نمودن معترضین خود را به محل می‌رساند. توده‌های اعتراض‌کننده که هر لحظه بر تعدادشان اضافه می‌شد اعتراضات خود را تشدید نمود و با یک حمله انقلابی، با مزدوران درگیر می‌شوند که مزدوران سرکوبگر دست به تیراندازی می‌زنند. مدای شلیک گلوله مزدوران، موجب آن می‌شود که تعداد بازهم بیشتری از توده‌ها خود را به محل برسانند و این بار اعتراضات جمعیتی نزدیک به هزار نفر دانه وسیع و گسترده‌ای بخود می‌گیرد. یک ریدی ارتشی که معلوم است مزدوران بود و برای سرکوب مردم به محل تجمع توده‌های اعتراض‌کننده نزدیک شده بود، با دیدن اهالی خشمگین متحد و بهم پیوسته، هیچ گونه عکس‌العملی نشان نداده و مزدوران داخل آن جرات نمی‌کنند پیاده شوند.

و بدینسان مردم قهرمان سقز که از ظلم و جور رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و ستم‌های بی حد و حصر آن بجان آمده‌اند، ضمن آنکه از دستگیری دو جوان سافر جلوگیری نموده و سرکوبگران رنگارنگ آنرا محق نشین و ادا نمودند قهرت و کینه عمیق خود در آن نسبت به مزدوران و رژیم حامی انسان نشان دادند.

### دو خیرازه

#### شهر سقز

مزدوران سرکوبگر رژیم، که در فراحم نمودن همه و هرگونه محدودیت‌ها و تضییقات در حق مردم مبارز کردستان هیچگونه دروغی نداشته‌اند، طی چند ماه گذشته با اعمال فشار پرااهالی شهر سقز توانستند آسیاب‌های بزرگ شهر را از دست مردم خارج کرده و اداره آنها را به خود در اختیار بگیرند. مرتجعین پس از اعمال کنترل خود بر این آسیاب‌ها، از آرد کردن گندم‌های اهالی روستاهای اطراف این شهر، خود داری می‌کنند و از این طریق هم بطور غیرمستقیم آنان را تحت فشار قرار می‌دهند تا اهالی را وادار کنند گندم‌های خود را به قیمت‌های نازل و مطلوب مزدوران، به رژیم بفروشند، تا رژیم جمهوری اسلامی هم از این طریق بتواند آرد مورد نیاز مزدوران خود را تامین کند.

هفته آخر مه‌ماه شهر سقز، شاهد یک اعتراض پیردانه و گسترده بود. ساعت ۱۰/۵ صبح روز ۶۴/۷/۲۳ میان دو نفر مسافر و سه تن از مزدوران سرکوبگر رژیم یک درگیری لفظی ایجاد می‌شود. مزدوران در ادامه این مشاجره دست به پرخاش زده و قصد آن دارند که این دو نفر را دستگیر کرده و همراه خود ببرند. اما این حرکت مزدوران با اعتراض دو مهاجر مردمی که در محل حضور دارند مواجه می‌شود. با تجمع تعداد بیشتری از اهالی که همگی نسبت به این حرکت اعتراض می‌کنند، کار به کتک کاری می‌گردد و پاسداران مزدور، حسابی کتک می‌خورند. در این میان یک سرکوبگر ارتشی که مذبوحانه

وارد آمده بود، زیر آتش سنگین توپخانه روستاهای "بران"، "گانی رهش"، "برده سیمان"، "گولان" و... را در منطقه بازار سردشت مورد پوروش و خشیانه قرار داده و به آزار و آذیت زحمتشان این روستا پرداختند.

مزدوران در روستای "گولان" ۲ نفر را دستگیر و در روستای "بران" ضمن تفتیش خانه‌ها به غارت و چپاول اموال مردم دست زدند.

### چند خبر کوتاه از:

#### جنگ ارتجاعی ایران و عراق

جنگ ارتجاعی ایران و عراق، طی یک ماه گذشته نیز همچنان ادامه یافته، و بازهم بر ابعاد تخریبی آن افزوده گشته است. دولتین ایران و عراق، برحلات خود علیه یکدیگر و به زبان توده‌های دو کشور همچنان ادامه داده‌اند. رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی، در ادامه سیاست‌های ارتجاعی و پیمان - اسلامیستی خود و به رسمیت شدن یابی تفسارهای دوقلو این دو کشور بر طبل جنگ کوبیده است. سردمداران مرتجع رژیم، بویژه این روزها بازهم تلاش در برجسته کردن شعار جنگ تا پیروزی داشته و با تبلیغ از طریق نمازهای جمعه و دیگر دستگاه‌های تبلیغاتی خود به بسیج نیرو برای اعزام به جبهه‌های جنگ پرداخته و آتش تنور این جنگ قدرت انگیز را داغ‌تر کرده‌اند.

دولت ارتجاعی عراق نیز بر دانه حملات خود افزوده است. رژیم عراق اگر چه بیشترین حملات خود را متوجه مراکز مهم اقتصادی ایران و خصوصاً مناطق نفتخیز ایران نموده است، اما شهرها و مناطق مرزی کردستان نیز همچون گذشته از گزند این حملات بر کنار نبوده است. چند خبر کوتاه زیر مبن این واقعیت می‌باشد.

### سردشت

منطقه سردشت جزو مناطقی است که همواره در معرض حملات توپخانه ارتش‌های ایران و عراق بوده است و از همان اوایل این جنگ ارتجاعی، از دادن قربانی و ثمرات تخریبی جنگ بی‌نصیب نبوده است. در صفحه ۲۳



از صفحه ۲

سال گذشته و بخصوص بعد از درگیری ۲۵ آبانماه اورامان، نخست با اختراع از پذیرش مسئولیت جنایات تشکیلات اورامان خود، و از این طریق با بازگذاشتن راه برای تکرار آنها، و سپس بعد از شروع مجدد درگیریها بعد از حمله ششم بهمن ماه کوه لاله به مقرهای حزب دمکرات در اورامان، با اختراع از پذیرش آتش بس و هرگونه مذاکره ای و اعلام یک سری پیش شرطهای ضد دمکراتیک، عملاً تا کنون تمامی تلاش خود را در جهت ادامه درگیریهای خود با کوه لاله مجدداً به کار بسته است. حزب دمکرات در طول یک سال گذشته ضمن ادامه پلان نظامی درگیریهای کنونی، سعی نموده است که از طریق تهدید و ارعاب به اهداف ضد دمکراتیک خود در انقیاد کلیه نیروهای سیاسی در گردستان، جاه عمل بیوشانده حزب دمکرات در یک سال گذشته پیش از هر زمان دیگری از پذیرش هرگونه اصل دمکراتیک طفره رفته، در عمل نیز چنین اصولی را زیر پا گذاشته است. در ادامه چنین سیاستی حزب دمکرات نه تنها تا کنون هیچ گامی در جهت جلوگیری از درگیریها در گردستان برنداشته است، بلکه با تمامی امکانات خود در صیرودامن زدن به این درگیریها و گسترش ابعاد آنها نیز حرکت نموده است. حزب دمکرات در طول یک سال گذشته در یک کلام هیچگاه از تشدید و خامت اوضاع کنونی در ضامینات نیروهای سیاسی غافل نمانده است. محدودیت دید و عملکرد طبقاتی حزب دمکرات، حصول واقعی خود را در ادامه چنین سیاست ضد دمکراتیک نشان داده است، سیاستی که بعنوان عامل اصلی موجودیت و تداوم درگیریها در گردستان است و امروز جریان تر از همیشه عملکرد خود را آشکار ساخته است.

کوه لاله نیز بعنوان یک جریان ناصیونالیست خرد بورژوا، با سیاست های خاص خود، نه تنها

تنها کاری که قادر به انجام آن هستند، انهدام یک جنبش عمومی به انحاء گوناگون و متناسب با شرایط خود و صوره خود، از جمله کشاکش درونسی چنین جنبشهایی و به شکست کشانیدن آنها است. تاریخ هیچگاه چنین رهبری هائیک را در تراویک ترین شکل آن بارها به نمایش گذاشته است. حزب دمکرات و کوه لاله نیز هر یک بنوعی در طول حیات شش سال گذشته جنبش گردستان، محرز و ناتوانی خود در هدایت این جنبش را آشکارا به نمایش گذاشته، بر بی کفایتی تاریخی دیدگاههای طبقاتی خود صرح گذاشته اند، دیدگاههایی که ریشه در ضامین طبقاتی و موقعیت اجتماعی چنین جریاناتی دارد. این دو جریان که در شرایط ضعف جنبش پرولتاری و رهبری پرولتاری، نقش فائقه را در جنبش انقلابی خلق کرده از آن خود ساخته اند، امروز پیش از همه و در دوران وضعیت خطیر کنونی جنبش، ورشکستگی سیاسی خود را در تداوم درگیریهای خونین نظامی کنونی، به عیان ترین وجهه به نمایش گذاشته اند.

حزب دمکرات بعنوان یک جریان ناصیونالیست و با سیاستهای کاملاً بورژوازی، بعنوان پای اصلی درگیریهای کنونی، در طول شش سال گذشته و در مقاطع خاص جنبش کنونی، با حمایت و جانبداری از برنامههای بورژوا - رفرفیستی، همیشه و در همه حال محدودیت اهداف و امال خود را آشکار نموده است و درست همین محدود نگری را در همه حال عیناً در ضامینات درونی جنبش چه در برخورد با توده های زحمتکش خلق کرد و چه با نیروهای سیاسی، آشکار ساخته است. حزب دمکرات نه تنها به عنوان سرد راه هرگونه تحول بنیادی در زندگی خلق کرد عمل کرده است، بلکه به افعال ضد دمکراتیک - ترین سیاستها نیز صدها بویژه در یک سال گذشته - همگام گماشته است. نمونه های "دمکراسی" حزب دمکرات در گردستان کم نبوده و نیست.

حزب دمکرات در طول یک

زمینه های بروز درگیریهای کنونی را، در مواجهه با سیاست های حزب دمکرات فراهم نموده است، بلکه با درغلطیدن به ورطه اوتوریسم و انارشیزم در مقابل حزب دمکرات، نقش بازی را در ایجاد و ادامه وضعیت فعلی بازی نموده است. کوه لاله با سیاست مقابله به مثل خود در جریان درگیریهای خود با حزب دمکرات، عملاً آب به آسیاب سیاستهای حزب دمکرات ریخته است و در مجموع بر خلاف تصور خود به جای آن که به عامل بازدارنده صدل شود، خود به عامل اشتعال درگیریهای فیابین دو نیرو در مقاطع مختلف نیز تبدیل شده است.

ظرفیت محدود طبقاتی کوه لاله، او را از وسعت دید نسبت به آینده برخورد های خود در عرصه سیاسی محروم ساخته است. از همین رو نیز سیاست های کورو شتابزده، و عکس العملی این جریان در طول حیات خود، بویژه در درگیریهای متعدد این جریان با حزب دمکرات، همیشه و در همه حال او را به دنبال حوادثی روانه ساخته است که امکان پیش بینی آینده آنها برای خود او نیز امکان پذیر نبوده و نیست و به جرات می توان گفت طرف مقابل کوه لاله با طرح و نقشه به مراتب روشن تری در چنین حوادثی پای نهاده است. همین واقعیت وانگیزی بودن سیاستهای کوه لاله در مقابل حزب دمکرات بیان روشن وضعیت کوه لاله و سیاستهای او در این زمینه است. تعرض متقابل کوه لاله قبل از همه نشانه ضعف او در ترسیم هرگونه چشم اندازی برای برخورد های خود و دنباله روی او از حوادث پیش روی خود است تا چه بگری. اگر چه حتی این سیاست کوه لاله در ذرورق انواع و اقسام تحلیل ها نیز پیچیده شود، این خلوت واقعی سیاست های کور کوه لاله در این زمینه نیز تا کنون خود را به آشکارترین وجه عیان ساخته است. درست به همین دلیل نیز هست که هر موفقیت ناچیزی در مقابله به مثل کوه لاله با حزب دمکرات، برای این جریان، در تقدیر هرگونه درکی از رابطه متقابل

رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

سگتاریسم

از صفحه ۹

سوال را، نتایج امروزه این  
مداومت و پیگیری در شرایط  
کنونی جنبش خلق کرده داده  
است و دیگر ضرورتی به تکرار  
آن نیست، خود واقعتاً ها گرفتار  
از هر چیزی در این باره سخن  
می گویند، و محتوای واقعی این  
به اصطلاح "مداومت و پیگیری" را  
بر ملاحظه سازند، که در چه چیزی  
بوده و هست و چقدر در ترمیم  
وضعیت کنونی در جنبش کردستان  
و درگیری های داخلی آن دخیل  
بوده است. درگیری هایی که اینک  
تمامی دستاوردهای جنبش کنونی  
را لگد مال می کنند و بر زمینه  
همین "مداومت و پیگیری" در  
بی اعتنائی به درک الزامات  
جنبش کنونی و اتخاذ سیاستهای  
انارشیمی و ماجراجویانه کومه له،

شما "حمایت بی قید و شرط" کرد،  
شما واقعا "حق دارید بزرگوارانه  
درست همان چیزی را از دیگران  
پخواهید که مدعی مبارزه علیه  
آن هم هستید. درکراسی بشرط  
حمایت بی قید و شرط از کومه له!  
ولی تصور می کنید این خواست  
عاجزانه شما فرق اساسی با  
درکراسی به شرط "عدم توطئه"  
و یا درکراسی به شرط "پذیرش  
رهبری" دیگران دارد؟ فکر  
می کنید هنوز هم روشن نیست  
مبارزه شما با "ضد درکراسی"  
چه فرقی با یک مبارزه واقعی در  
این زمینه دارد؟ از حق نباید  
گذشت که شما در این نوع خاص  
از مبارزه برای درکراسی به شرط  
"حمایت بدون قید و شرط" مداوماً  
و پیگیرانه "تلاش کرده اید،  
ولی این تلاش مداوم و پیگیر  
شما چه ربطی به درکراسی  
دارد؟ ما فکری کنیم یا خ این

میدان عمل گسترده ای پیدا  
کرده اند.  
سگتاریسم علاج ناپذیر  
کومه له، باید هم در برخورد با  
مواضع نیروهای سیاسی به این  
نتیجه گیری داهیانیه برسد که  
هر کسی که از سیاست های کومه له  
"حمایت بی قید و شرط" نکند  
ضد دمکراتیک و چه با ضد انقلابی  
است. سگتاریسمی که برای اثبات  
به اصطلاح "حقانیت" ادعای خود  
در این زمینه، از هر شیوه  
مذهبی استفاده نموده، از  
مواضع نیروهای سیاسی آنچه را  
که خود اراده می کند، بیازد و  
پیرامین این دست پخت خود  
داستان پردازی مینماید، با همین  
شیوه برخورد هم از هر  
برخوردی بیروزمند بیرون آمده  
خود را محور عالم قرار میدهد  
و به صدور احکام آسمانی همت  
میگمارد.

یک سال بعد

از صفحه ۱۶

بین دو سیاست با الزامات جنبش،  
کومه له را در میری صوق  
داده است که خود مدعی  
مقابل با آن نیز هست.  
بی جهت نیست که کومه له امروز  
بعد از یک سال درگیری با حزب  
دمکرات، بدون آن که بر نتایج  
سیاسی یک سال گذشته فعالیت  
خود، در عرصه جنبش خلق کرد  
بمعنوان یک طرف درگیر نظری  
مشولانه بیندازد، تبیح بدست  
گرفته و به شورش فتوحات خود  
مشغول است.

همانا تصدیف بیش از پیش جنبش  
انقلابی خلق کرد خواهد بود.  
اگرچه امروز نه تنها خواست  
اکثریت نیروهای سیاسی،  
آتش بس فوری و قطع درگیریهای  
فیما بین دونا نیروست، و این  
خواست دیگر به خواست عمومی  
خلق کردن نیز تبدیل شده است، ولی  
شروع دور جدیدی از درگیریها  
در آستانه پشت سر گذاردن یک  
سال درگیری خونین در کردستان،  
قطعا چشم انداز روشنی را  
برای آینده مناسبات دونا نیرو  
ترسیم نمی کند. بلکه برعکس  
با توجه به اختراع حزب دمکرات

از پذیرش آتش بس، و شعله ور  
گشتن مجدد درگیریها در ابعاد  
گسترده تر، همه شواهد حاکی از  
آن است که در مقابل جنبش کنونی،  
میر خونینی بازگشوده می شود  
که قربانیان اصلی آن را فرزندان  
زحمتکش خلق کرد تشکیل می دهند،  
میری که بیمودن آن با هر  
ستمگی تنها در حکم خیانت  
به آرمان خلق کرد می تواند  
منسوب گردد، نه چیز دیگری.  
و امروز هر سیاستی که چنین  
میری را هموار می سازد، چه  
آگاهانه و چه ناآگاهانه - بر  
این خیانت صده می گذارد.

اطلاعیه

پیرامین سیاست تخلیه و تخریب روستاها  
توسط رژیم جمهوری اسلامی

از صفحه ۶

به سازماندهی اعتراضات گسترده توده ای نه تنها در کردستان، بلکه  
در سراسر ایران پرداخته و با بسیج افکار عمومی جهانیان علیه این  
گونه اقدامات ارتجاعی، موجبات جلوگیری از اجرای چنین سیاستی  
را به هر طریق ممکن، فراهم نمایند.

زنده باد اتحاد عمل و همکاری فیما بین نیروهای انقلابی!  
بیروزیاد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد!  
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

به هر حال امروز آنچه که  
دیگر در واقعیت جریان دارد، این  
است که هر دو جریان در فقدان  
ظرفیت لازم برای پیشبرد سیاسی  
اختلافات خود، عرصه  
تقابل خود را بنا به وضعیت  
جنبش کنونی در کردستان، عطا  
و طی پروسه معینی به عرصه  
تقابل نظامی گشائیده اند.  
درگیریهای یک سال گذشته  
اگرچه اشکار ساخت که هیچکدام  
از آنها قادر به انهدام فیزیکی  
دیگری از طریق درگیریهای به  
مراتب گسترده تر نظامی نیستند،  
ولی آنچه که روشن است مداوم  
آسی درگیریها مسلماً در آینده  
به فرسایش هر دوی آنها منجر  
خواهد گشت. و تنها چیزی که  
از این رهگذر بر جای خواهد ماند،

به مناسبت

شصت و هشتمین سالگرد ...

از صفحه ۲۴

با دهقانان فقیر و تهیدست قدرت را به دست گرفت. قدرت و اراده خلل ناپذیر کارگران و سربازان در شوراهایشان تبلور می یافت. شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان به مشابیه شکل دولتی دیکتاتوری پرولتاریا، مقاومت استوارگران را در هم کوبید. با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر ناقوس سرک نظام سرمایه داری به صدا در آمد و فصل نویسی در رهائی بشریت از قید استعمار، خیم و بندگی آغاز گشت. انقلاب اکبر به مشابیه درخشان ترین نقطه طغی در تاریخ جهان بر آفاق انقلابات پرولتاری شده.

با انقلاب اکبر مائیسین دولتی کینه درهم شکسته شد و حکومت شورائی به منزله شکل جدید دولت پرولتاری جایگزین آن گشت. با برقراری دیکتاتوری پرولتاریا دموکراسی نوین یعنی دموکراسی پرولتاری حاکم شد و برای دومین بار در تاریخ جهان (بعد از کمون پاریس) دموکراسی برای اکثریت عظیم توده های زحمتکش برقرار شد و توده ها حاکم بر سرنشینت خویش شدند. حکومت شوروی به خواسته های اساسی توده ها جامه عمل پوشاند. مالکیت بر زمین طغی گشت. تولید و توزیع کالاها تحت کنترل کارگران درآمد. کنترل ملی بر بانکها اعمال شد. از طرف حکومت شوروی تحت رهبری لنین آموزگار کبیر پرولتاریا و رهبر انقلاب پرولتاری روسیه پیشنهاد صلح عادلانه و دموکراتیک به تمامی ملت های درگیر در جنگ امپریالیستی جهانی داده شد. انقلاب اکبر صلح، نان و آزادی را برای توده ها به ارضان آورد. حکومت شوروی حق ملل در تعیین سرنشینت خویش را به رسمیت شناخت.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر زنجیرهای ایارت خلقهای متحدیده و محروم ساکن روسیه تزاری را با یاره کرد و به این خلقها آزادی، استقلال، برابری، رفاه و آسایش به ارضان آورد. به رسمیت شناخته شدن حق ملل

در تعیین سرنشینت تا حد جدائی و تشکیل دولت مستقل، سینتم ستگری ملی بر چیده شد و اتحاد داوطلبانه و همبستگی اترناسیونالیستی مابین ملل مختلف روسیه جایگزین ناسیونالیسم و عداوت ملی گشت.

بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اکبر یعنی در دسامبر ۱۹۱۷ حکومت شوروی استقلال فنلاند و اوکرائین را به رسمیت شناخت. حکومت شوروی با پیشنهاد سیاست اصولی جنی بر سیاست برابری کامل همه خلقها حمایت آنها را نسبت به انقلاب اکبر جلب کرد.

حزب کمونیست دولت شوروی را بر پایه اتحاد داوطلبانه جمهورهای آزاد ملی تشکیل داد. فد انقلابیسین و دشمنان طبقاتی زحمتکشان می کوشیدند بین خلقهای ساکن روسیه تفائی و تفرقه افکنند. اما کارگران و زحمتکشان همه خلقهای روسیه از انقلاب اکبر پشتیبانی کرده و با حکومت شوروی اعلام همبستگی نمودند.

نخستین کنگره شوراهای سراسری اوکرائین در دسامبر ۱۹۱۷ تشکیل شد و اوکرائین را جمهوری شوروی اعلام نمود. بین جمهوری شوروی اوکرائین و جمهوری شوروی روسیه اتحاد دوستانه و میمانه برقرار شد. اوکرائین نخستین جمهوری ملی شوروی بود.

دولت پرولتاری با تأیید هر چه بیشتر بر ضرورت رفیع ناسرا برپای خلقها عدم اقتصادی را که حکومت تزاری بمنحوان نماینده سرمایه داران و ملاکان در میان خلقها ایجاد کرده بود از بین برد و دومی خلقها را پایه گذاری کرد.

سومین کنگره شوراهای سراسری در ژانویه ۱۹۱۸ تصویب کرد که جمهوری روسیه بر پایه اتحاد داوطلبانه ملت های آزاد، به صورت فدراسیون جمهورهای ملی شوروی تأسیس می شود.

دسامبر ۱۹۱۹، حکومت شوروی استقلال ملل کوچک استونی، لتونی و فنلاند را علیرغم این که تحت نفوذ سیاسی و مالی امپریالیستها بودند، به رسمیت شناخت.

حکومت شوروی تحت رهبری حزب کمونیست، با پیشنهاد سیاست اصولی و لنینی در مائسه

ملی، زحمتکشان کیه ملت های روسیه را که در گذشته زیرستم قرار داشتند در بارزه ملیتیه صلاحیسات امپریالیستی و ضد انقلابیسین وابسته به آنها ضد ملی ساخت. ملل زحمتکش نیز به تجربه دریاقند که آزادی و استقلال ملی واقعی خلقهای روسیه در گرو یابداری و استحکام حکومت شوروی است. آنها با حمایت همه جانبه از انقلاب اکبر، فعالانه به صاوزه با ضد انقلابیسین برخاستند. در جریان جنگ داخلی زحمتکشان ملت های مختلف که دوش به دوش هم در صفوف ارتش سرخ بیکار می کردند، با دفاع از دستاوردهای انقلاب اکبر، اتحاد هرچه بیشتری را میان خود تحکیم کردند.

لنین در شرایط دولت شهر الهه شوروی اندیشه های داهیانیه مارکس و انگلس در باره امکان رشد غیر سرمایه داری خلقهای عقب مانده بی سوسیالیسم را تحت رهبری حزب کمونیست بسط داد و فلسف تری ساخت. خلقهای کازا خستان، آسیای میانه، قفقاز و نطق شمال با رهبری سنجیده حزب کمونیست شوروی بدین گذراندن مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم هدایت شدند. سال ۱۹۲۱ حزب توده ای انقلابی ضولستان بیاری ارتش سرخ، نیروهای اشغالگر چینی و لغزای گارد سفید روس را رانده و قدرت سیاسی را در دست گرفت. جمهوری تنسوده ای ضولستان نیز تحت رهبری پرولتاریا بدین ملی سرمایه داری به سوی سوسیالیسم گام برداشت.

نا برابری حقوق خلقها در نخستین روزهای حکومت شوروی طغی شده بود. لنین در چهارمین سالگشت انقلاب اکبر با انتشار اعلام کرد:

"در کشور ما این مائیل (مذهب یا بیس حقوقی زنان یا ستگری نسبت به ملت های غیر روس) در آن درجهت بورژوا دموکراتیک تا آخر حل شده است... ما به همه ملت های غیر روس جمهوری خاص خودشان یا مناطقی خود مختار خاص خودشان را داده ایم."

(تاکیدها از لنین) اما برابری واقعی خلقها با تأمین

پیشرفتهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنها امکان تحقق داشت. برای برقراری برابری واقعی میبایست در مناطق طی در مرحله اول صنایع ایجاد گردد. این کار مستلزم وقت زیاد، تلاش و کوشش پرولتاریا و خلقهای پیشرو کشور شوروی و همچنین همبستگی و کمک صادقانه آنها به خلقهای عقبمانده بود.

کنگره دهم حزب کمونیست شوروی تصویب کرد که باید به این خلقها یاری شود تا در سرزمین خویش سازمان دولتی شوروی، مقامات حاکمیت و اداره اقتصاد، دادگاه، مطبوعات، مدرسه، تئاتر و غیره را که به زبان مادری فعالیت میکنند تهیه داده و تحکیم نمایند. و تهیه کار ملی را تسهیل کنند.

همچنین در این کنگره به صالحه اتحاد جماهیرجایی شوروی توجه جدی شد. از آنجا که هیچیک از این جمهورها به تنهایی نمی توانستند بر برابر توطئه ها و سیاست های تجاوزگرا نه امپریالیستها خود را از خطر سرکوب شدن حفظ نمایند، کنگره اعلام نمود که "ضایع مشترک اقتصادی، سیاسی و دفاعی، اتحاد دولتی جمهوریهای جداگانه شوروی را به طایفه یگانه راه نجات از استارت امپریالیستی و حتم ملی الزام می کند. تجزیه روسیه که انواع مختلف فدراسیون را بکار بسته بود مناسب بودن فدراسیون را به مثابه شکل عمومی اتحاد دولتی جمهورهای شوروی کاملاً به اثبات رسانید. لنین در مورد مناسب بودن شکل فدراسیون برای اتحاد جمهورهای شوروی نوشت:

"فدراسیون عبارت است از شکل انتقال به وحدت کامل زحمتکشان ملل گوناگون. هرگاه فدراسیون صلاح بودن خود را خواهد در مورد ضایعات جمهوری فدراتیو شوروی و صوبایلیستی روسیه با سایر جمهورهای شوروی (مجارستان، فنلاند و لاتفی در سابق و اندریایجان و اوکراین در حال حاضر) و خواه در داخل جمهوری فدراتیو شوروی و صوبایلیستی روسیه در مورد طیبائی که سابقاً نسه موجودیت دولتی داشتند و نه خودمختاری (مثلاً

به مناسبت

شصت و هشتمین سالگرد ۱۹۰۰

جمهوری خودمختار باشقرستان و تاتارستان در جمهوری فدراتیو شوروی صوبایلیستی روسیه که در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۰ تشکیل داده اند) آشکار ساخته است. (طرح اولیه تزه های مربوط به ساله ملی و مستعمراتی)

حکلات مکرر دولتمسای امپریالیستی علیه کشورشواها، ضرورت آمادگی دائم برای دفاع از صوبن صوبایلیستی را به زحمتکشان جمهورهای شوروی یاد آوری می کرد. خلقهای شوروی که در بارزه متحد شان برای استقرار و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و برای ساختمان صوبایلیسم با هم متحد گشته بودند، در جهت ایجاد وحدت دولتی نیز می کوشیدند. از سوسی اتحاد همه جمهورهای شوروی برای مقابله با امپریالیستها و از سوی دیگر برای دفاع پیروزند از دستاورد های انقلاب کبیر اکبر، ضرورت اتحاد در یک واحد جدائی ناپذیر را ایجاد می کرد.

با درک این ضرورت حزب کمونیست در سال ۱۹۲۲ تصمیم گرفت که:

"انعقاد قرار داد میان اوکراین، بلوروسی، فدراسیون جمهوری های ساورا، قفقاز و جمهوری فدراتیو شوروی صوبایلیستی روسیه در باره تجمع آنها در اتحاد جماهیر شوروی صوبایلیستی با حفظ حق خروج آزاد هر یک از آنها از ترکیب اتحاد لازم است.

طاهای اکبر، نوامبر و دسامبر همان سال احزاب کمونیست اوکراین، بلوروسی، اندریایجان، گرجات و ارمنستان موافقت خود را با سیاست وحدت جمهوری های شوروی در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی صوبایلیستی اعلام نمودند. در دسامبر ۱۹۲۲ کنگره های شوراهای همه جمهورهای نیز با این امر موافقت کردند.

۳ دسامبر ۱۹۲۲ در مسکو نخستین کنگره شوراهای اتحاد

جماهیر شوروی صوبایلیستی تشکیل گردید.

بدین ترتیب تحت رهبری حزب و به پیشوائی لنین دولت کثیرالطه شوروی صوبایلیستی تاسیس گردید. تاسیس آن ادامه کار انقلاب اکبر بود. این دولت بر صحنه اصل داوطلبانه و بر اساس حفظ استقلال و حاکمیت ملی هر جمهوری شوروی عضو اتحاد جماهیر شوروی صوبایلیستی تشکیل یافت. تاسیس اتحاد جماهیر شوروی صوبایلیستی پیروزی اندیشه لنین و سیاست ملی لینیستی حزب کمونیست شوروی بود. پرولتاریای روسیه به بدین ترتیب به همه زحمتکشان جهان، راه حل ماله ملی از بین بردن نابرابری ملتها و خلقها و راه وحدت خلقها را در جهت پایه ریختن صوبایلیسم و کمونیسم نشان داد.

لنین پایه ریختن و استحکام ساختمان صوبایلیسم در شوروی را فقط به شرط برقراری دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای اتحاد شوروی امکانپذیر می دانست و همواره بر رفع فوری نابرابری واقعی خلقهای عقب مانده و پرورش همه خلقها با روح انترناسیونالیسم تاکید می کرد. او در این باره نوشت:

"برای پرولتر چه چیزی مهم است، برای پرولتر نه فقط اهمیت، بلکه ضرورت جدی نیز دارد که در صاوره طبقاتی پرولتری حد اکثر اعتماد افراد ضوب به دیگر خلقها را به دست آورد، برای اینکار چه چیزی لازم است؟ برای اینکار فقط برابری ظاهری کافی نیست. برای اینکار باید با رفتار و گذشتهای خود در باره خلقهای دیگر به هر صورت باشد آن عدم اعتقاد، شبهه و رنجیدگی را که در گذشته تاریخسی بوسیله حکومت ملت "عظمت طلب" در این خلقها ایجاد گردیده جبران نمود (مجموعه آثار جلد ۵)

در اهتزاز باد پرچم ظفر نسون انقلاب کبیر صوبایلیستی اکبر

سیاست هایی از قبیل سرپازگیری اجباری و تسلیح اجباری و ... بلکه حتی بزرگترین زرادخانه های نظامی را خیزد یارای مقابله یا اراده استوار یک خلق به پا خاسته و مصمم نیست.

سرپازگیری اجباری رژیم نیز در مقابل عزم و اراده انقلابی خلق کردستان با تمامی تلاش های رژیم حکومت به شکست است چنانکه حوادث چند ماه اخیر این واقعیت را به اثبات رسانیده است.



از صفحه ۲۴

زحمتکشان و صلح های تجمع مردم در شهرها از قبیل اماکن عمومی چهار راهها، سینماها، مدارس، طویل خواربار ... را به محاصره خود درمی آورند و در روستاها با یورش های وحشیانه و محاصره نمودن روستا، به خانه گردی و اعمال فشار و اذیت به اهالی می پردازند.

در هر ماه گذشته، مزدوران سرکوبگر رژیم در ادامه سیاست سرپازگیری اجباری، روستاهای مناطق "شاطات" و "محال" و "چوم مجید خان" را مورد هجوم و حمله خود قرار داده، ضمن محاصره این روستاها و آزار و اذیت اهالی زحمتکش آنها در چند هجوم بی درمی اقدام به دستگیری فرزندان زحمتکشان نموده اند. مزدوران رژیم طی این یورشهای سبعانه همزمان حدود ۱۱ روستای این مناطق را محاصره کرده اند و تعداد زیادی از اهالی این روستاها را دستگیر کرده، روانه پایتگاهها و پادگانهای رژیم نموده اند. اما زحمتکشان این مناطق نیز در مقابل یورش های مزدوران شکست نخورده اند و دست به اعتراضات گسترده ای علیه مزدوران رژیم زده اند. ایام گذشته این اعتراضات آنچنان بالا گرفته است که نیمی از دستگیرشدگان نیز در حین نقل و اتصالات مزدوران موفق به فرار گشته اند.

مزدوران رژیم همزمان با این یورشها، نیرنگ های جدیدی را نیز به کار بسته اند و به دادن وعده و وعده های ضددی دست زده اند. آنها اعلام کرده اند هر کسی که خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی نماید در محصل زندگی خود به خدمت گمارده خواهد شد و ...

ولی با تمامی این اقدامات، مزدوران رژیم نتوانسته اند، مردم مقاوم مناطق مختلف را وادار به تمکین به سیاست خود نمایند. واقعیت این است که نه یورش های نظامی و نه اعمال سیاست های ارتجاعی، نه وعده و وعده های متعدد رژیم در طول بیش از شش سال گذشته، هیچگاه نتوانسته است، در عزم و اراده خلق رزنده کرده، خلق را در مقابل زحمتکشان کردستان در تجربه شش سال گذشته خود و با تمام

وجود خود بر این واقعیت یقین حاصل کرده اند، که رژیم جمهوری اسلامی که تنها ارفغان آن برای مردم کردستان جز جنگ و ویرانی و کشتار و اجارت و فقر و بدبختی چیز دیگری نبوده است، هدفی جز نابودی اهداف انقلابی آنان را دنبال نمی کند. این رژیم با تمامی موجودیت منصور خود و با تمامی سیاست های ارتجاعی اثر تنها هدف سرکوب و درهم شکستن اراده خلق کردستان برای رهائی از ستم ملی و از قید نظامات پرسیده و ارتجاعی در کردستان را دنبال می کند. و بسا اذعان به همین واقعیت نیز بوده و هست که در طول شش سال گذشته تنها پاسخ خلق کردستان به تمامی سیاست های رژیم در کردستان، در هر کجائی که این رژیم پای نهاده است، خروش مسلح ها و سرب مذاپ بوده است.

امروز نیز زحمتکشان خلق کرد با هر چه فشرده تر ساختن صفوف مبارزه کمونی علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در تمامی مواردی که رژیم تلاش نموده است به اجرای سیاست سرپازگیری اجباری یا هر سیاستی از این قبیل بپردازد، دست به مقابله جدی با اقدامات مزدوران رژیم زده، به آتش کشیدن خودروهای آنها و خلع سلاح مزدوران پرداخته اند. فرزندان قهرمان خلق کوسود، پیوستن به صفوف رژیم را در هر لباس و به هر شکلی چیزی به جز خیانت محسوب نداشته اند و نمی دارند. چیزی که نه تنها رژیم جمهوری اسلامی بلکه همه رژیمهای مترجم و سرکوبگر عاجز از درک آن هستند، این واقعیت است که هر زحمتکش کرد که به اهداف و آرمان خلق خود آگاه باشد، خود پیشک پیشمرگه است، از همین رو نیز تمامی تلاش های مذبذبانانه مزدوران سرکوبگر برای ایجاد جدائی بین اهالی زحمتکش روستاها و فرزندان پیشمرگه آنها، نه تنها تلاش عیث و بیشایتر حکومت به شکست است، بلکه ناشی از ناتوانی و عجز رژیم از درک واقعیات جنبشی است که هر روز بیشتر از روزی پیش مزدوران رنکارنگ او را در گام خود فرو می بلعد. واقعیت مبارزه انقلابی در کردستان در طول شش سال گذشته آشکار ساخته است، گفتنها

# تخلیه اجباری...

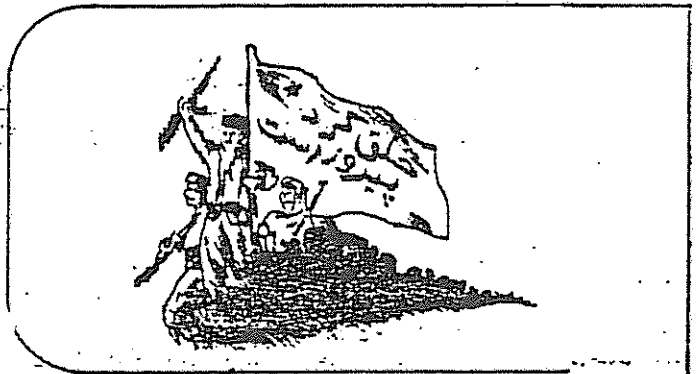
## از صفحه ۲۰

ارتش باز داشته و پیشمرگان را از پشت جبهه قدرتمند خود محروم سازد. اما این سیاست بغایت ارتجاعی رژیم نیز همچون دیگر سیاست های سرکوبگرانه او نتیجهای جز شکست و رسوائی نخواهد داشت و قبل از هر چیز نشانه عجز و درماندگی رژیم در مقابل جنبش انقلابی و مسلحانه خلق کرد است. واقعیت های مبارزات قهرمانانه خلق کرد، و جنگ انقلابی در کردستان که بر بیشتر خواست های برحق و عادلانه بوده های زحمتکش این سامان شکل گرفته، و در طول بیش از شش سال بی وقفه ادامه یافته است، به آشکارترین شکلی روشن می سازد که هیچکدام از ترفندهای رژیم نتوانسته و نخواهد توانست، کمترین خللی در اراده شکست ناپذیر خلق مبارز کرد وارد سازد.

امروز توده های انقلابی خلق کرد پرتوان تر از گذشته با اراده و تشدید مبارزات انقلابی خود علیه رژیم ستمگر و جنایت پیشه جمهوری اسلامی و بسا مقاومت همه جانبه در مقابل این سیاست جنایت کارانه رژیم شکست های باز هم مفتوحانه تری را بر او تحمیل خواهند کرد و پوزه کثیف او را به خاک خواهند مالید.

اما در این رابطه وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با برخورد فعالانه و مسئولانه و از هر طریق ممکن ماهیت ارتجاعی این سیاست جنایتکارانه رژیم منصور جمهوری اسلامی را در میان عموم کارگران و زحمتکشان افشا نموده و اعتراضات گسترده ای را در محکوم نمودن این سیاست ها و در حمایت و پشتیبانی از مبارزات توده های انقلابی خلق کرد سازمان دهند.





رزمی پیشمرگان نیزضربات مهلك آنها نیز قرار گرفته اند. در آبانماه سال جاری نیز پیشمرگان خلق کون طی دهها عملیات تعرضی، ضمن انهدام بخشی وسیعی از تأسیسات نظامی و اقتصادی رژیم در سراسر کردستان و به قیمت گرفتن تعدادی بهشماره جنگ افزار و مهمات، صدها نفر از مزدوران سرکوبگر، که در بین آنها تعدادی از فرماندهان ضد خلقی نیز وجود داشته اند، بهلاکت رسانیدند.

پیشمرگان بسیاری از جاده های اصلی و فرعی منتهی به شهرها و روستاها را تحت کنترل گرفتند و طی چندین کمین در مسیر این جاده ها ضربات خرد کننده ای به مزدوران وارد آوردند. مراکز رژیم در شهرهای مرق، سردشت، اشنویسه، بوکان، ارومیه، مهاباد و تبریز مورد تعرض واقع شد و پیشمرگان در مقابله با یورش مزدوران به برخی روستاهای مناطق جنوبی، سرکزی و شمالی کردستان با وارد آوردن ضربات خود انسان را وادار به عقب نشینی نمودند.

جدول زیر تعدادی از ضربات شدید و سرکوبگره آوری است که رژیم را در مقابل جنبش انقلابی خلق کرد هر روز درمانده تر از پیش ساخته و هرروز بیشتر از روز پیش سرنوشت محتوم این رژیم در دست سیاستهای ارتجاعی او را که چیزی جز شکست و نابودی نیست به نمایش می گذارد.

جدول عملیات این ماه پیشمرگان خلق کرد نشان می دهد که هر وقته کوتاهی در درگیریهای حزب دمکرات و کومه له، مستقیماً انعکاس خود را در افزایش تحرك پیشمرگان علیه مزدوران سرکوبگر رژیم آشکار می سازد.

پیشمرگان انقلابی خلق کرد در ماههای اخیر پیروزیهای درخشانی در عرصه نظامی کست نموده اند. پیروزیهای نظامی اخیر یکبار دیگر بر این واقعیت صحت گذارد که در مرحله کنونی جنگ تنها عامل صلح و برآرتقاء توان رزمی پیشمرگان، انحصاز تاکتیکی تعرض و حملات برق آسا و ضربات مرموز و غافلگیرانه به مزدوران و پایگاههای آنها بوده است.

اگر جنبه های سرکوبگر رژیم با تعرض در ضابطی مختلف کردستان و استقرار انبوه شبکه های پایگاهی اهداف شخصی را دنبال مینمودند که با تسلط بر گذرگاههای حد فاصل مناطق و محاصره نظامی روستاهای تحت کنترل پیشمرگان تحرك نظامی آنها را محدود نمایند و از این طریق زمینه های غنی بیشتری را جهت محاصره و سرکوب پیشمرگان مهیا نمایند. اما علیرغم تدابیر سرکوبگرانه ای که تمام با یورش های نظامی صورت گرفته است تاکنون نه تنها نیروهای سرکوبگر به اهداف خود دست نیافته اند، بلکه بیش از پیش در مقابل تحرك

**غنائم بدست آمده**

۱۴۰	جنگ افزار انفرادی
۳۴	انواع نارنجک
۵	سیسیم
۱۰۶۲۵	انواع فشنگ
۳۹۳	خشاب
۸	جنگه افزار سنگین و نیمه سنگین
۱۰۰۹	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۲۵	بیستین فریب خوردگان

**تلفات دشمن**

۵۲۱	کشته و زخمی
۳۳	امرای دشمن
۱۰۱	خودرو ضهدم یا صادره شده
۳	سلاحهای ضهدم شده
۳۳	صدمات ضهدم شده

۱ - رشک + چندین قبضه سلاح  
۲ - انبار + دهها صندوق صدمات  
جدول يك ماهه  
عملیات پیشمرگان  
خلق کرد

**عملیات پیشمرگه**

۲۳	کمین و کنترل جاده
۳۵	مین گذاری
۲۹	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۰	حطه به صراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۱۳	صادر و انهدام تأسیسات
۳۹	حطه به پایگاهها
۱۷۰	جمع

۲۱	شجدای پیشمرگه
۲۲	شجدای اهالی بی دفاع

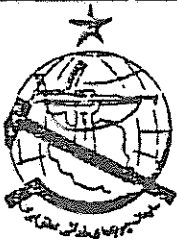
آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

۲۷ مهر تا ۲۷ آبان

سازگه و نویی بزونه و دی شور شگیرانه ی گدلی کورد

اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستان  
بیرامون بازداشت دوش از پیشمرگان سلیمان، توسط حزب دمکرات کردستان ایران



خلق رزمنده کرد!  
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!  
نیروهای انقلابی و دمکرات!

حزب دمکرات کردستان ایران در ادامه سیاست های ضد دمکراتیک خود علیه نیروهای انقلابی و تحمیل درگیریهای خونین داخلی در جبهه کردستان و اصرار بر ادامه آنها، در چند روز اخیر دست به اقدام دیگری علیه سازمان ما زده، ضمن بازداشت دو نفر از پیشمرگان ما، تمام تلاش خود را برای اعمال سیاست های خصمانه خود در جهت تشدید بحران موجود در مناسبات نیمابین نیروهای سیاسی به کار گرفته است.

دو پیشمرگه بازداشتی توسط حزب دمکرات، روز ۸ آبان ماه در حین تردد بین دو مقر سازمان ناپدید شدند. فردای آن روز یعنی ۹ آبان ماه، ما از طریق پیشمرگان اتحادیه میهنی از وضعیت آنها اطلاع حاصل نمودیم که آنها را به همراه و در بازداشت پیشمرگان حزب دمکرات در مسیر تردد بین دو مقر سازمان دیده بودند.

ما به دنبال کسب اطلاع از این قضیه طی نامه ای از دفتر سیاسی حزب دمکرات خواستار آزادی این دو نفر و توضیح کتبی بیرامون این اقدام شدیم. اما حزب دمکرات برخلاف تعاملی موازین دمکراتیک جنبش علیه غم آن که به گفته خود حزب دمکرات، دو پیشمرگه مذکور در حین بازداشت، مدعی وابستگی به سازمان شده اند و کارت سازمان ما را به همراه داشته اند و نیز علیه غم درخواست کتبی ما از دفتر سیاسی حزب دمکرات صحتی بر آزادی دو نفر مذکور و توضیح کتبی بیرامون این اقدام، از ما می خواهد، نماینده ای را جهت حضور در تحقیقات لازم به منظور روشن شدن انگیزه حضور و تردد آنها در محل دستگیری اعزام داریم که بنا به گفته حزب دمکرات در پاسخ به نامه مورخه ۶۴/۸/۹ سازمان ما ۸۰ شری یکی از مراکز مخفی حزب دمکرات قلمداد شده است.

ما در پاسخ به نامه حزب دمکرات، ضمن اعتراض مجدد به این اقدام یکبار دیگر به حزب دمکرات گوشه نمودیم که دست از این شیوه های غیر اصولی برداشته، ضمن آزاد نمودن دو نفر مذکور، نسبت به این شیوه های برخورد خود رسماً جوابگو باشد. اما در پاسخ همین نامه، نیز حزب دمکرات ضمن تکرار نامه قبلی، این بار صریحاً اعلام نمود که اگر ما نماینده ای جهت حضور در تحقیقات به منظور روشن شدن مسأله معرفی نمائیم، آنها خود تحقیقات لازم را معمول خواهند داشت. فرضاً در همین حال در همان نامه اشاره مستقیم به تناقض اظهارات کتبی دو نفر با نامه ما نیز شده بود. این امر نشان می داد حزب دمکرات در حقیقت تحقیقات لازم را کتلاً معمول داشته است. بدون آنکه حتی سازمان ما را تا مراجعه رسمی ما تا ۲۴ ساعت بعد از دستگیری، از وقوع چنین امری مطلع سازد و یا در مورد چنین کاری برآید.

لذا بعد از دریافت این پاسخ حزب دمکرات، ما طی نامه مجددی ضمن معرفی دو نفر به عنوان نماینده برای تحویل پیشمرگان بازداشتی یک بار دیگر به حزب دمکرات تذکر شدیم که اولاً اقدام انجام شده توسط آن حزب، در مورد بازداشت دو نفر مذکور، با توجه به اعلام وابستگی آنها به سازمان ما، امری کاملاً ضد دمکراتیک و غیر اصولی بوده و هست.

ثانیاً تأکید مجدد حزب دمکرات بر تحقیقات به منظور روشن شدن مسأله، در شرایطی که وابستگی این دو نفر به سازمان ما برای این حزب مسجل شده است از سوی ما نمی تواند به چیزی جز ادامه سیاست های معمول و غیر اصولی حزب دمکرات با چنین شیوه هایی تعبیر شود.

ثالثاً با توجه به نامه های رد و بدل شده، اصرار حزب دمکرات بر بازداشت و بازجویی از آنها، علاوه بر زبیا نبدان هرگونه اصل دمکراتیک جنبش، هدفی جز به انحراف کشاندن مسائل و اختلافات سیاسی دو سازمان را دنبال نمی کند، امری که حزب دمکرات در سطح جنبش باید پاسخگو آن باشد.

در عین حال یکبار دیگر توصیه نمودیم که رهبری حزب دمکرات دست از این شیوه های برخورد برداشته، دو نفر مذکور را به نمایندگان سازمان ما تحویل دهد.

اما دفتر سیاسی حزب دمکرات از پاسخ به این مسأله طفره رفت و یکبار دیگر آشکار ساخت که همچنان اصرار بر ادامه اینگونه سیاست های خود دارد. سیاست هایی که تا کنون در عمل و در سطح جنبش لطمات جبران ناپذیری را بر دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد و در ابعاد مختلف، وارد آورده است.

خلق رزمنده کرد!  
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!  
نیروهای انقلابی و دمکرات!

حزب دمکرات با بازداشت و اضرار از آزاد نمودن دو پیشمرگه ما که هم اکنون نیز در بازداشت این حزب به سر می برند. و خود داری از دادن هرگونه اطلاعی در مورد اقدام خود در زمینه چگونگی و چراغی بازداشت دو نفر مذکور تا لحظه اطلاع ما از طریق پیشمرگان اتحادیه میهنی و طفره رفتن از هرگونه پاسخ روشن در مورد این اقدام، عملاً آشکار می سازد که اصرار هر چه بیشتری بر ادامه سیاست های ضد دمکراتیک خود علیه نیروهای انقلابی دارد.

لذا ما صراحتاً خواهان محکوم نمودن این گونه تشبثات ضد دمکراتیک حزب دمکرات از سوی کلیه نیروهای انقلابی بوده و هستیم. و به حزب دمکرات هم یک بار دیگر توصیه می کنیم هر چه سریعتر دو نفر پیشمرگه مذکور را آزاد نموده، رسماً بیرامون این اقدام خود در سطح جنبش توضیح دهد.

# نکاتی پیرامون...

از صفحه ۲۴

داشته‌اند. جریان بعدی مکتوبات ما با حزب دمکرات نیز نشان داد که مساله حزب دمکرات نه عدم شناسایی این افراد و بی‌اعتنا حضور آنها در حوالی مقر خود، بلکه قبل از همه اعمال آشکار همان سیاست‌های فرد دمکراتیک خود به شیوه‌ای دیگر در مورد سازمان ما بوده است. سیاستهایی که دیگر امروز به وجه مشخصه حزب دمکرات در جنبش خلق کرد تبدیل گشته‌اند. سیاست‌هایی که تبلور خود را قبل از همه در یافتاری بر ادامه درگیری‌ها و تلاش در جهت تحمیل ایمن درگیری‌ها به نیروهای هر چه بیشتری تشکیل می‌دهد. در همین این صورت، حزب دمکرات طبق معمول اینگونه مسوول در کردستان قبل از هر اقدامی می‌بایست سازمان ما را از جریان امر مطلع می‌ساخت و دو نفر صدکور را به سازمان ما تحویل می‌داد و هرگونه ادعایی در این زمینه داشت از طریق رسمی مطرح می‌نمود. نه تنها حزب دمکرات بلکه هیچ نیروی دیگری حق بازداشت پیشمرکه هیچ سازمان و جریانی را ندارد. این دیگر اصل مسلم ضابطیات دمکراتیک سیاسی در کردستان است.

حزب دمکرات نه تنها هیچگونه افتتایی به این امر نکرد، بلکه بعد از اطلاع ما از مساله و محکوم دانستن این عمل حزب دمکرات در پاسخ نامه‌های ما از هرگونه جواب اصولی طنزه رفته هدف خود از این بازداشت را هر چه بیشتر آشکار ساخت. حزب دمکرات

از فعالیت آنها و مهم‌تر از همه با ادامه درگیری‌های خود با کومه له و تهدید دیگر نیروهای سیاسی جز در جهت محو و نابودی دستاوردهای جنبش کنونی گام برنمی‌دارد؟

واقعیت این است که حزب دمکرات در پیشبرد این سیاستها به ویژه در طول یک سال گذشته آنچنان پیشرفت کرده است و شتاب به خرج داده است که امروز بر کمتر کسی در شناخت چهره فرد دمکراتیک سیاست‌های حزب دمکرات، جای تردید باقی گذاشته است. واقعیت سیاست‌های حزب دمکرات امروز پیش از همیشه و در روند تاکنونی خود، دیگر آشکار ساخته است که اهداف چنین سیاست‌هایی صلا در مقابله با اهداف انقلابی جنبش کنونی و نافی تمامی دستاوردهای دمکراتیک آن است. حزب دمکرات امروز دیگر به عامل تشتت و درگیری در جنبش انقلابی خلق کرد تبدیل شده است و هرگونه ضابطیات سیاسی ضقابل فیما بین نیروها را نقی نموده و عملاً سیاست تهدید و درگیری نظامی را جایگزین آن نموده است.

لزمه برخورد اصولی با اینگونه سیاست‌ها آن است که حزب دمکرات با دست برداشتن از تهدید نیروها و زیرپا نهادن مکرر اصول دمکراتیک در تمامی زمینه‌ها، و گردن نهادن به قطع درگیری‌های خود با کومه له، بر اصول دمکراتیک جنبش کنونی گردن نهاده، پیش از این بر ادامه سیاست‌های فرد دمکراتیک خود یافتاری نکند و اختلافات خود با نیروهای سیاسی رانه از طریق تامل به تهدید و اصلاح بلکه از طریق صلح پیشبرد.

\*\*\*

یا طرح مساله "تحقیقات" در حضور نماینده ما (که لابد می‌باید از طرف حزب دمکرات صورت می‌گرفت) آشکار ساخت که در اندیشه اعمال زور و قلندری نیز هست. حزب دمکرات اسم اینگونه برخوردهای خود را هر چه بگذارد ملما از نقطه نظر ما این برخورد حزب دمکرات چیزی جز زیرپا نهادن هرگونه ضابطیات سیاسی ضقابل و تهمیل جستن به غیر اصولی‌ترین شیوه‌های فرد دمکراتیک نمی‌توانست باشد.

ما ضمن محکوم دانستن این گونه برخوردهای حزب دمکرات، خواهان تحول دو نفر مذکور به نمایندگان سازمان و توضیح رسمی حزب دمکرات در این مورد شدیم. و با توجه به ادامه برخورد حزب دمکرات مساله را در سطح جنبش علنی ساختیم. اگر چه حزب دمکرات بعد از اعلام رسمی ما در سطح جنبش در روز ۱۷/۸/۶۴ دو نفر مذکور را آزاد نمود، ولی علیرغم تاکید جدی ما بر پاسخ رسمی پیرامون این اقدام خود در سطح جنبش، از دادن هرگونه پاسخی خودداری نمود.

جریان بازداشت این دو نفر از سوی حزب دمکرات یبار دیگر آشکار ساخت که حزب دمکرات تا چه حد در ادامه سیاست‌هایی که بر علیه نیروهای انقلابی در پیش گرفته است، صراحت است. حزب دمکرات تصور می‌کند ادامه این سیاست‌ها او را به کجا خواهد رسانند؟ حزب دمکرات با ادامه چنین برخوردهایی در تمامی زمینه‌ها، کدام دستاورد جنبش کنونی را حراست می‌کند، آیا می‌تواند چنین کاری بکند؟ درست تر این نیست که بگوئیم حزب دمکرات در عملگردهای از ایمن قبیل از جمله خلع سلاح پیشمرگان نیروهای سیاسی دیگر، جلوگیری

## چند خبر کوتاه از:

از صفحه ۱۵ جنگ ارتجاعی...

روز بیست و نهم سپهرماه منطقه سردشت توب و خمپاره باران کردید که در اثر این عمل وحشیانه، تعداد زیادی از خانه‌های روستائیان این منطقه آسیب دیده و یک نفر از اهالی زحمتکش روستای "کونه مشکلی" جان خود را از دست داد.

همچنین در تاریخ ششم آبان ماه، منطقه آران سردشت مورد حمله نیروهای نیروهای عراقی قرار گرفت که در اثر این حرکت ارتجاعی

وسران و خانه‌های دیگری آسیب دیدند.

## بازنه

منطقه بانه نیز از این حملات وحشیانه برکنار نبوده است. اخیراً در اثر توب و خمپاره باران روستاهای این منطقه، دو روستای جان خود را از دست داده و سه نفر دیگر در روستای "چرومان" زخمی شده‌اند.

\*\*\*

ضد دردی یک زن اهل روستای "تیمتیا" به شدت زخمی شد و به روستائیان منطقه خسارت زیادی وارد شد.

## پیرانشهر

در تاریخ ۱۷/۸/۶۴ یکبار دیگر توب خانه عراق، شهر پیرانشهر و اطراف آن را بمدت چندین ساعت توب باران کرد. در اثر این توب باران‌ها، تعدادی زخمی شدند، چند خانه بکسی

به مناسبت شصت و هشتمین سالگرد

# انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

و حل مسئله ملی در کشورهای سوراها

شصت و هشت سال پیش در بیست و پنجم اکتبر ( برابر با هفتم نوامبر تقویم جدید و شانزدهم آبان ۱۳۱۷ ) با پیروزی قیام کارگران و صربازان شهر پتروگراد انقلاب کبیر سوسیالیستی

اکتبر آغاز شد. در مسکو و دیگر شهرهای روسیه نیز قیامهای مشابهی روی داد. وقوع قیام در این شهرها عظیم ترین و پرشکوهِ ترین نبرد طبقاتی کارگران و زحمتکشان علیه حاکمیت

پروژوای را به نمایش گذاشت. با درهم کوبیده شدن نیروهای ضد انقلاب و بازداشت اعضای حکومت ضد-انقلابی قیام پیروز شد و طبقه کارگر در اتحاد در صفحه ۱۸

## نکاتی پیرامون

بازداشت دوتن از پیشمرگان سازمان توسط حزب دمکرات کردستان ایران

در اوایل آبان ماه، حزب دمکرات کردستان دو نفر از پیشمرگان سازمان ما را بمب‌دوین آن که سازمان را از جریان امر مطلع سازد، بازداشت نمود. ما تنها بعد از ۲۴ ساعت در جریان پی جوسی این رفقا، از طریق پیشمرگان یک نیروی دیگر از وضیت آنها مطلع شدیم. بهانه حزب دمکرات برای این بازداشت، طبق نامه های ارسال شده در سیاسی حزب دمکرات این امر بوده است که دو پیشمرگه مذکور، بعد از کم کردن راه در فاصله دو مقر سازمان، از حوالی مقر حزب دمکرات سراسر سادر آورده اند.

حزب دمکرات بعد از بازداشت شپه دو جهان در دفتر، نه تنها طبق معمول اینگونه موارد، سازمان ما را از این امر مطلع نیاخت، بلکه با بازداشت نمودن آنها در همان روزه عملاً آشکار ساخت که به هیچ اصل دمکراتیکی پایبند نیست. آفراد بازداشت شده، در همان لحظه، اول نه تنها وابستگی خود به سازمان ما را اعلام داشته بودند، بلکه در عین حال کارت شناسایی متعلق به سازمان ما را نیز به همراه

در صفحه ۲۳

## اخباری از جنبش توده‌ای

در صفحه ۱۰


**راديو**

**صدای فدائی**

امواج کوتاه مدتی ۶۵ و ۷۵ متر

ساعات ۸، بعد از ظهر

۱۲،۵ روز بعد



**خلق کرد پیروز است**

جدول یک ماهه علیات پیشمرگان خلق کرد

۲۷ صر تا ۲۷ آبان

در صفحه ۲۱

## تلاشهای گسترده رژیم اسرائیل

### برای بازگیری اجباری

صفوف پیشمرگان قهرمان خلق کرد جلوگیری نماید.

سویازگیری اجباری یکی از سلسله سیاست های ارتجاعی رژیم در کردستان است که هدف آن همچون دیگر سیاست های رژیم از قبیل تبلیغ اجباری، کج اجباری، محاصره اقتصادی و غیره افزون بر تمامی یورش های سیمانه رژیم و تپ و خمپاره باران و آزار و اذیت تقریباً همه روزه زحمتکشان خلق کرد، از پای در آوردن این خلقی قهرمان، و به شکست کشیدن آن است. هدفی که در طول بیس از

در ماههای اخیر، رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر دست به سویازگیری گسترده در روستاهای کردستان زده است. رژیم با محاصره روستاهای مناطق مختلف کردستان و دستگیری جوانان تلاش نموده است که فرزندان خلق کرد را به کشتارگاههای جنک ارتجاعی خود با رژیم عراق گسیل دارد. و از این طریق علاوه بر تامین نیروی انسانی برای ادامه این جنک خانانپوز، فشار هرچه بیشتری را بر زحمتکشان خلق کرد وارد آورده، از بیوستن روز افزون فرزندان آنها به

شش سال گذشته، نه تنها بر آورده نشده است، بلکه برعکس همیشه و در تمامی این سالها، با آزاده استوار و محکم خلق قهرمان کرد نیز روبرو گشته و به انحاء گوناگون با شکست مواجه گشته است.

مزدوران رژیم برای پیشبرد سیاست سویازگیری اجباری، با توجه به تجارب چندین ساله خود، از شک در ابعاد گسترده تری دست بکار شده، به ایجاد جو پلیسی و ترور و ارباب در شهرها پرداخته اند. آنها برای دستگیری فرزندان

در صفحه ۲۰